

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

اصلاحات علوی



بسم الله الرحمن الرحیم

اصلاحات علوی: نگاهی به سیره حکومتی امام علی علیه السلام

نویسنده:

محمدحسن عبداللهی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

اصلاحات علوی: نگاهی به سیره حکومتی امام علی علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : عبداللهی، محمدحسن

عنوان و نام پدیدآور : اصلاحات علوی: نگاهی به سیره حکومتی امام علی علیه السلام/محمدحسن عبداللهی؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم:دفتر عقل،مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری : ۱۹۱ص.

شابک : ۱۴۰۰۰ ریال:۹۶۴-۹۶۸۷۳-۳-۵

وضعیت فهرست نویسی : فهرست نویسی توصیفی

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۸۵] - ۱۹۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۰۲۵۳۹

ص: ۱

اشاره

فهرست مطالب

ص: ۴

فصل ششم: همراه با برنامه سازان

دیباچه

بسیاری از ارزش هـای اسـلامی با رحلت پیامبر اسـلام، از جامعه رخت بربست و ارزش های جاهلی بار دیگر خودنمایی کرد. متأسـفانه در دوره تأویل، بعضـی ارزش ها به ضد ارزش تبدیل شد و به دلایل گوناگون، جامعه اسلامی در مسیر فروپاشی قرار گرفت. ازاین رو، جامعه کسی را طلب می کرد که در برابر بدعت های موجود بایستد و احکام و حدود اسلامی تعطیل شده را احیا کند. تنها کسـی می توانست در این شـرایط موفق باشد که دارای اهداف ویژه حکومتی و شـیوه های مدیریتی برخاسـته از کتاب و سـنت باشـد. چنین کسـی بایـد چنان توان مند می بود که بتواند کشتی جامعه اسـلامی را از توفان های حوادث نجات دهد و به ساحل مقصود رهبری کند. همچنین می بایست هیچ گونه پیشینه منفی نداشته و ذخیره ای برای این زمان باشد. ازاین رو، امـام علی علیه السـلام به عنوان برترین مورد، زمـام امور جامعه را در دست گرفت و بـدون درنگ به نظم بخشـی کارها و زدودن نارسایی ها پرداخت.

امـام بـا بهره گیری از عنـایت هـای الهی و عمـل به سـنت رسـول گرامی اسـلام، برای حکومت خویش مـدیریتی منظم در نظر گرفت. در نخستین گام، افرادی متعهد، مدیر و مدبّر را انتخاب کرد و به مناطق مختلف سرزمین

اسلامی فرستاد و همواره بر چگونگی انجام امور کشوری و لشکری کارگزارانش نظارت داشت.

پرداختن اجمالی به شیوه های مدیریتی آن حضرت، در کنار بیان ویژگی های حاکم اسلامی و وظایف کارگزاران و اهداف حکومتی امام علی علیه السلام، از مباحث اصلی این پژوهش به شمار می آید. از سرکار خانم زهرا زارعی و دست اندرکاران مرکز آموزش خواهران دفتر تبلیغات اسلامی قم و کارشناسان مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما سپاس گزاریم که در به بار نشستن این اثر تلاش فراوان داشته اند.

انّه ولیّ التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

در این مجموعه کوشیده ایم دیدگاه های حکومتی حضرت علی علیه السلام و نیز چگونگی عملی شدن آنها را بررسی کنیم. هرچند در زمینه زندگانی امام علی علیه السلامو اندیشه سیاسی ایشان، کتاب های بسیاری نوشته شده است که هر یک به گوشه ای از زوایای وجودی آن حضرت پرداخته اند، ولی در این مجموعه کوشیده ایم با نگرشی تازه به حکومت امام، بعضی از زوایای حکومتی ایشان را بررسی کنیم.

با وجود فضایل بی شماری که در آن امام همام وجود داشت، ولی متأسفانه پس از پیامبر اسلام، به سفارش های بسیار آن حضرت نسبت به جانشینی امام علی علیه السلام توجهی نشد. در نتیجه، امام از رسیدن به حقی که خداوند متعال آن را مقرر فرموده بود، محروم ماند و اجازه ندادند ایشان، جامعه اسلامی را با الگوی حکومتی مورد نظر اسلام اداره کند. سرانجام پس از بیست و پنج سال سکوت و خانه نشینی، ایشان توانست حکومتی را که حقش بود، تشکیل دهد.

ص: ۱۰

متأسـفانه از همان آغاز حکومت، حضـرت با انبوهی از مشـکلاتی که از پیش فراهم شـده بود، روبه رو شـد و با آنها به مبارزه برخاست. افزون بر این، گروه هایی در زمان حکومت ایشان پدید آمدند که به فتنه گری و کارشکنی علیه امام می پرداختند و در کار حکومت خلل وارد می کردند.

بـا وجود این مشـکلات، امـام در عمـل، شـیوه حکومت داری را ارائه داد که در حکومت هـای دیگر سابقه نداشـته است؛ زیرا چنان که می دانیم حکومت ایشان بر اساس دوره تأویل است، ولی حکومت پیامبر بر اساس دوره تنزیل بود.

با توجه به سـفارش های مقام معظم رهبری درباره شـناخت شیوه های حکومتی و رفتار علوی به این پژوهش همت گماردیم تا دریـابیم که دیـدگاه های حکومتی امام در عمل چگونه تحقق یافته است؟ اهـداف حکومتی امیرالمؤمنین علی علیه السـلام چه بود؟ شـیوه های مدیریتی ایشان و همچنین نقش کارگزاران در حکومت حضـرت چگونه بوده است؟ پاسخ گویی به این گونه پرسـش ها سـبب می شود که با شـیوه های حکومتی مولای متقیان بهتر آشنا شویم و کارگزاران حکومت اسلامی با شیوه های اداره یک حکومت اسلامی بهتر آشنا شوند.

در این پژوهش، نخست به ویژگی های حکومتی پیامبر و پس از ایشان حکومت خلفای پیش از حضـرت علی علیه السـلام می پردازیم. سـپس در فصـل دوم، بـا اشاره به اهـداف حکومتی امیرالمؤمنین علی علیه السـلام بیان می کنیم که در سایه حکومت اسلامی، چه برنامه هایی باید اجرا شود و دیدگاه های حکومتی حضرت که در نهج البلاغه، آمده است، چگونه در

حکومت ایشان تحقق پیدا کرد.

در فصل سوم، به شرایط حاکم اسلامی از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام می پردازیم و ویژگی های رهبر جامعه اسلامی برای هدایت جامعه را برمی شماریم. در این فصل، نخست به ویژگی های حاکم اسلامی از دیدگاه نهج البلاغه می پردازیم و سپس آن را از نظر تاریخی بررسی می کنیم.

در فصل چهارم نیز به شیوه های مدیریتی حضرت در اداره جامعه می پردازیم و مواضع و سیاست های حضرت را در اداره جامعه برمی شماریم. البته در این فصل شیوه های حکومتی حضرت را از نظر اقتصادی، نظامی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و روش برخورد حضرت با کارگزاران و مخالفان را نیز بیان می کنیم.

در فصل پنجم، به وظایف کارگزاران و والیان منصوب از سوی امام می پردازیم. در فصل آخر نیز نقش رسانه و عملکرد آن را درباره شیوه های حکومتی امام علی علیه السلام بررسی می کنیم.

ص: ۱۲

فصل اول: ویژگی های عصر تنزیل و تأویل

اشاره

تنزیل در لغت به معنای فرود آمدن تدریجی است(۱) و به معنای وحی کردن نیز آمده است.(۲) عصر تنزیل در اصطلاح، به دوره ای گویند که نزول آیات قرآن در آن زمان صورت گرفته است و شامل ۲۳ سال دوره نبوت پیامبر اسلام می شود که ۱۳ سال آن در مکه و ۱۰ سال نیز در مدینه بوده است. مفسران با توجه به درون مایه و آیات نازل شده، آنها را به مکی و مدنی تقسیم کرده اند.

تأویل در لغت به معنای بازگرداندن چیزی به اصل و رد کردن چیزی به غایت آن است.(۳) تأویل به معنای ترجیع نیز آمده است. عبارت «اَوَّلَهُ اِلیه؛ رَجَّعَهُ» درمورد تأویل کلام به معنای تقدیر و تفسیر است.(۴)

عصر تأویل در اصطلاح همان عصر پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

۱- نک: راغب اصفهانی، مفردات، چ ۱، بیروت ۱۴۱۲ ه.ق. ۱۹۹۲م، ص۷۹۹.

۲- لویس معلوف، المنجد، تهران، انتشارات اسماعیلیان، مهر، ۱۳۶۷، چ ۳، ص ۸۰۲ .

۳- نک: مفردات، ص ۹۹، التأویل من الاول ای الرجوع الی الاصل و ذلک هو ردّ الشی إلی الغایه المرداه منه علما کان او فعلاً.

۴- المنجد، ص ۲۱.

است که حکومت خلفای سه گانه و دوران حکومت حضرت علی علیه السلام را دربرمی گیرد. پس از این شناخت اجمالی، به بیان ویژگی های این دو می پردازیم.

۱. ویژگی های دوره تنزیل

الف) اتحاد و یکپارچگی میان مسلمانان

آموزه های اسلامی افزون بر اینکه به احکام فردی توجه کامل دارد، برای روابط اجتماعی افراد نیز برنامه های جامعی دارد که در برقراری روابط سالم می توان آن را به کار گرفت. خداوند متعال در قرآن کریم بارها مؤمنان را به هم بستگی و اتحاد سفارش و آنها را برادر یکدیگر معرفی می کند و به ایثار و فداکاری در حق یکدیگر و جامعه اسلامی فرا می خواند. به سزای این کار نیز به آنان وعده نعمت و پاداش های اخروی می دهد. خداوند می فرماید:

همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید و به یاد آورید نعمت خدا را که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او در دل های شما الفت ایجاد کرد و به برکت و نعمت او برادر شدید. (آل عمران: ۱۰۳)

همچنین در جای دیگر می فرماید:

مؤمنان برادر یکدیگرند، میان دو برادر خود صلح برقرار سازید. (حجرات: ۱۰)

خود پیامبر به این دستورها عمل می کرد و مسلمانان نیز به این یکپارچگی اهتمام داشتند. برای نمونه، می توان به هجرت مهاجران از مکه به مدینه و استقبال گرم انصار از آنها در خانه هایشان اشاره کرد. همین روحیه یکپارچگی در میان آنها بود که در مقابل دشمنان از پیامبر و دین اسلام

پشتیبانی کردند و خداوند نیز به آنها وعده پیروزی داد.(1) پیامبر برای برقراری هرچه بیشتر برادری میان مسلمانان، عقد اخوت را میـان آنها برقرار کرد(2) و روحیه تعصب قـبیله ای و عشـیره ای دوران جـاهلی را از میـان برد. بـا این روحیه بـود که پیـامبر توانست تمام موانع را برطرف کند و الگوی حکومت اسلامی را در مدینه تشکیل دهد.

ب) از میان رفتن تعصب های قومی و آداب و رسوم جاهلی

پیش از بعثت پیـامبر، تعصب هـای قومی گونـاگونی میان اقوام مختلف وجود داشت که سـبب ایجاد اختلاف و دودسـتگی نزد اقـوام شـده بـود. بـا رهنمودهـای پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله این تعصب هـا به برادری و اتحـاد تبـدیل شـد. اعراب، دیگر منسوب بودن به قومی مشـخص را سـبب برتری خویش نمی شـمردند. برای نمونه، دو قوم اوس و خزرج که سالیـان درازی در اختلاف به سر می بردند، مانند دو برادر با یکدیگر متحد شدند. همچنین در میان مردم عرب، آداب و رسوم جاهلی حاکم بود که آنها را از انسانیت دور کرده و به پستی کشانده بود. آنان در عبادت های خود بت های بی جان را می پرستیدند و از دانش نیز بی بهره بودنـد. نـادانی بر آنهـا سـایه افکنـده و تنها شـغل آنان غارت و چپاول یکـدیگر بود و تجاوز و سـتم نزد آنها رواج داشت. زورمندان و ثروتمندان، مردم محروم را آزار می دادند و به زنان ستم

۱- حسین عمادزاده، تاریخ مفصل اسلام، ۲ جلدی، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۴، چ ۸ ، ص ۷۳.

۲- رفیع الدین اسـحاق ابن محمد همدانی، سـیرت رسول الله صـلی الله علیه و آله، تهران مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵، چ ۲، ص ۲۴۲.

می کردند. همچنین دخترانشان را زنده به گور می کردند و از داشتن دختر ننگ داشتند.(۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با آموزه های آسمانی اش، آنها را به متمدن ترین افراد تبدیل کرد و آنها در پرتو آموزه های اسلامی توانستند باورهای ناپسندشان را کنار گذارند و به جای بت ها، خداوند قادر و علیم را پرستش کنند. ازاین رو، ترس و بی امنیتی آنها به امنیت تبدیل شد. از آن پس، زن و خانواده جایگاه مهمی در جامعه یافتند و آن همه اختلاف و تفرقه به اتحاد و برادری تبدیل شد. همچنین دانش به صورت یک ارزش درآمد که در نتیجه آن دانشمندان بزرگی پرورش یافتند.

ج) ساده زیستی مسلمانان

یکی از ویژگی های این دوره را می توان ساده زیستی پیامبر و مسلمانان دانست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بسیار ساده زندگی می کرد و مسلمانان را نیز به ساده زیستی سفارش می فرمود.(۲) ایشان فقر را مایه فخر خود معرفی و ثروتمندان متکبر را سرزنش می کرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آغاز دعوت خود با اینکه از ثروت زیاد خدیجه برخوردار بود، همانند ثروتمندان قریش به تجمل گرایی نپرداخت و به عنوان رهبر جامعه اسلامی خود را هم سطح مردم متوسط و محروم

۱- تاریخ مفصل اسلام، ج ۲، ص ۲۵.
۲- کمال الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی، شرح نهج البلاغه، ترجمه: محمدصادق عارف، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰، چ ۱، ج ۳، خطبه ۱۵۹، ص ۵۰۵.

جامعه نگاه داشت و از آن ثروت هنگفت برای پیشبرد اسلام بهره می جست. ازاین رو، به کمک مستمندان و مسکینان جامعه شتافت و دیگران را نیز به این امر سفارش کرد. همین مسئله سبب شده بود که بسیاری از مشرکان هنگامی که به محضر ایشان می رسیدند، از این وضع شگفت زده شوند و به اسلام بگرایند. مسلمانان نیز به پیروی از پیامبر خویش، ساده زیستی را ملاک زندگی خود قرار داده بودند. این امر سبب شد که فاصله طبقاتی میان مسلمانان کم شود و همدلی و هم بستگی آنان بیشتر گردد.

د) بیان احکام و اجرای حدود الهی و تفسیر آیات

از هنگامی که پیامبر دعوت خود را علنی کرد، آیات قرآنی اندک اندک نازل می شد و آن حضرت، برنامه های الهی را در موارد لزوم برای مردم بیان می کرد. البته دستورهای خداوند در مکه فراخور افراد تازه مسلمان نازل می شد تا کم کم آمادگی پذیرش دستورهای کامل تری را پیداکنند. آن گاه که حکومت اسلامی در مدینه ایجاد شد، احکام و حدودی که برای اجرا به حکومت اسلامی نیازمند بود، نازل شد و پیامبر به عنوان حاکم اسلامی، آنها را قاطعانه اجرا کرد. برای نمونه، گروهی از مشرکان نزد پیامبر آمدند، اسلام آوردند و در مدینه ساکن شدند. البته آب و هوای مدینه به آنها نساخت. در نتیجه، پیامبر برای بهبودی، آنها را به نقطه خوش آب و هوایی در خارج مدینه فرستاد. آنها پس از بهبودی، دست و پای چوپان های مسلمان را بریدند، و چشمان آنها را کور کردند و آنها را کشتند. سپس شتران را غارت کردند و دست از مسلمانی کشیدند. پیامبر نیز دستور داد آنها را دستگیر

کننـد و همان کاری را که با چوپان ها انجام داده بودند، به عنوان مجازات با آنها انجام دهند. آیه ۳۲ سوره مائده در مورد این اشخاص نازل شد و قانون اسلام را در مورد آنها تشریح کرد.(۱)

از آنجا که احکام اسـلامی در قرآن کریم به صورت کلی بیان شده است، پیامبر به عنوان مفسّـِر قرآن و حاکم اسـلامی، وظیفه داشت موارد جزئی را بر کلی تطبیق دهـد و فروعی را که در قرآن بیان نشـده بود، به مردم برسانـد و به تشـریح قوانین بپردازد. برای نمونه، پیامبر وظیفه داشت جزئیات نماز را که مسلمانان در قرآن تنها به اقامه آن فراخوانده شده اند، بیان کند.

چون پیامبر خود مفسّـِر احکام اسلامی بود، در نتیجه برداشت های مختلفی از قرآن صورت نمی گرفت و کسی نمی توانست با تفسیر به رأی آیات قرآنی، از آنها برداشت شخصی کند.

ه) سبقت در اسلام و تقوا، ملاک برتری افراد

یکی از ویژگی هایی که قرآن کریم به عنوان فضـیلت برای مسـلمانان برمی شـمارد، سبقت در اسلام است؛ زیرا کسانی که در آغاز دعوت پیامبر، مسلمان شده بودند، سختی های بسیاری دیده و مورد آزار بزرگان قریش قرار گرفته بودند.

همچنین افرادی که سابقه آنها در اسـلام بیشتر بود، دارای ایمان قوی بودنـد و آشـنایی بیشتری با آموزه های اسـلامی داشـتند. پس با رفتار خود می توانستند مبلّغ خوبی برای اسلام باشند.

۱- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۹۶ ه . ق، ج ۴، ص ۳۵۸.

افزون بر سبقت در اسلام، امتیاز دیگری که پیامبر به آن توجه داشت، تقوای الهی بود؛ زیرا سبقت در اسلام به تنهایی نمی تواند ملاک فضیلت و برتری افراد بر یکدیگر باشد، بلکه باید پرهیزکاری نیز همراه آن باشد. به همین سبب بود که پیامبر به چند تن از اصحاب خود توجه بیشتری داشت.

امتیاز دیگر این بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام انتخاب فرمانده برای سپاه خویش، افزون بر تقوا، به کاردانی و شایستگی افراد نیز توجه ویژه ای داشت. برای نمونه، وقتی پیامبر، گروهی را برای جنگ موته فرستاد، زیدبن حارث، جعفربن ابی طالب و عبدالله بن رواحه را به عنوان فرماندهان سپاه معرفی کرد.(۱)

و) وجود دشمنانی مانند مشرکان، یهودیان و منافقان

زمانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مکه بودند، بزرگان قریش که اسلام را برخلاف منافع خویش می دیدند، به کارشکنی و آزار پیامبر و یارانش پرداختند و آن گاه که نتوانستند ایشان را از عقیده و دعوت خود منصرف کنند، تصمیم گرفتند پیامبر را شبانه به قتل برسانند. در این میان، ولی خداوند متعال به وسیله جبرئیل، پیامبر را آگاه ساخت و به او دستور داد به مدینه هجرت کند.(۲)

در مدینه نیز وقتی پایه های حکومت اسلامی بنا نهاده شد، باز هم مخالفان

۱- ابن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمدابراهیم آیتی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴، چ ۷، ج ۱، ص ۴۳۶.

۲- عزالدین ابن اثیر، تاریخ کامل، ترجمه: محمدحسین روحانی، تهران، اساطیر، ۱۳۷۲، چ ۱، ج ۳، ص ۹۲۶.

حضرت علیه او کارشکنی می کردند؛ زیرا وجود پیامبر و آیین او را مانعی برای رسیدن به منافع و خواسته هایشان می دیدند. ازاین رو، از سویی به کارشکنی و توطئه علیه پیامبر می پرداختند. از سوی دیگر، با بزرگان قریش پیمان می بستند و آنان را علیه حکومت اسلامی برمی انگیختند.(۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدت ده سال که در مدینه بود، همواره با مشرکان مکه و یهودیان اطراف مدینه و قبایل دیگر عرب در جنگ بود که تاریخ نگاران، تعداد جنگ های پیامبر را تا هشتاد و چهار مورد برشمرده اند.(۲) این امر بیانگر دشمنان فراوانی است که می خواستند نور اسلام را در همان مدینه خاموش و از گسترش آن به مناطق دیگر جلوگیری کنند. البته دشمنان ایشان منحصر به یهودیان و مشرکان نبود، بلکه در داخل شهر مدینه نیز منافقانی که به ظاهر اسلام آورده بودند، به مبارزه مخفیانه با پیامبر می پرداختند. از جهتی می توان گفت مبارزه با این دشمنان داخلی به مراتب مشکل تر از دشمنان خارجی بود؛ زیرا دشمنان خارجی شناخته شده بودند، ولی منافقان در ظاهر، خود را مسلمان نشان می دادند، ولی مخفیانه علیه مسلمانان توطئه می کردند.

ز) محدود بودن منطقه حکومتی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا زمانی که در مکه بود، حکومتی نداشت، ولی

۱- سیرت رسول الله صلی الله علیه و آله، ص ۲۵۰.

۲- ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴، چ ۵، ج ۱، ص ۷۵.

آن گـاه که به مـدینه آمـد، بنـای یک حکومت کوچک را در آن شـهر نهاد. تا مـدت ها، پایگاه حکومتی ایشان تنها در شـهر مـدینه بود و افرادی هم که در مکه زیر آزار و شـکنجه بودنـد، به مـدینه مهـاجرت می کردنـد. کم کم منطقه حکومتی ایشـان گسترش یافت و مناطق حجاز، یمن و نجد نیز زیر سلطه اسلام درآمد.

در مـدتی کـه پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله در مـدینه بـود، بر اثر جنـگ هـای فراوانی که بـا یهودیـان و مشـرکان داشت و همچنین به سـبب تـازه تأسـیس بودن حکومت اسـلامی، هنوز اعراب بـادیه نشـین و قبیله های پراکنـده در حجاز و اطراف آن، آمـادگی لازم را برای پـذیرش دین جدیـد نداشـتند. آنان مـدت ها با آداب و رسوم جاهلی خو گرفته بودنـد و به حالت نیمه وحشـی زنـدگی می کردند و نمی توانسـتند به راحتی زیر بار قوانین و احکام جدید بروند. زمان طولانی تری لازم بود تا بتوان آنهـا را به اسـلام فراخوانـد و قوانین و دسـتورهای اسـلامی را به آنها شـناساند و آنها را زیر سایه حکومتی یکپارچه گردآورد. البته پیـامبر نـامه هـایی به سـران کشورهـا از جمله ایران، یمن و روم نوشت و آنها را به اسـلام دعوت کرد، ولی نتوانست دامنه حکومت خویش را به کشورهای همسایه توسـعه دهـد. با وجود این مشـکلات، منطقه حکومتی ایشان در سال های پایانی عمر مبارکشان نسبت به اوایل تشکیل دولت در مدینه تا حدود زیادی گسترش یافت و به تمام شبه جزیره عربستان رسید.

۲. ویژگی های دوره تأویل

الف) زنده شدن برخی تعصب های جاهلی

پس از پیامبر، متأسفانه بعضی از تعصب های جاهلی که اسلام توانسته بود آنها را از جامعه طرد کند، زنده شد. برای نمونه، برخی افرادی که به خلفا وابسته بودند، به پست های حکومتی گماشته شدند و از بیت المال سهم بیشتری به آنان داده شد؛ چون به یک قبیله مهم، منسوب بودند. در زمان خلیفه سوم، تقریبا تمام بیت المال به اطرافیان عثمان می رسید و تمام پست های حکومتی نیز از آن خویشاوندان وی بود. البته همین افرادی که در زمان خلفای سه گانه، امتیازهای ویژه ای برای آنان در نظر گرفته شده بود، وقتی منافع خود را در خطر دیدند، در مقابل حضرت علی علیه السلامایستادند که نتیجه آن جنگ های جمل و صفین بود.

علی علیه السلام با آغاز حکومت، تعصب های جاهلی و قومی را کنار گذاشت و در تقسیم بیت المال و نصب حاکمان بر منطقه های اسلامی برابر سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عمل کرد. برای نمونه، هنگامی که امام علی علیه السلامبر اساس سنت پیامبر، بیت المال را به صورت مساوی میان مسلمانان تقسیم می کرد، گروهی از اصحاب ایراد گرفتند که چرا بین مولا و عبد فرق نمی گذارد و به هر دو به یک اندازه از بیت المال می دهد. همچنین وقتی حضرت علی علیه السلامبعضی از اصحاب غیر عرب خود را بر عرب ترجیح می داد، به وی اعتراض می شد که چرا عجم را بر عرب ترجیح

می دهد.(۱)

ب) گرایش به تجمل گرایی و مادی گرایی

در این دوره، بعضی از والیانی که خلفای سه گانه می گماشتند، بودجه بیت المال را صرف خوش گذرانی های خود می کردند و هرگونه تصرفی در اموال بیت المال را برای خود جایز می دانستند. وابستگان خلفا نیز از بخشش های بیت المال بهره مند بودند.(۲)

با شروع حاکمیت امام علی علیه السلام، مبارزه جدی با این پدیده آغاز شد. همین کار به پیدایش نهضتی علیه امام در دوره خلافتش انجامید؛ زیرا امام مانع رواج اسراف گری و تجمل گرایی و بخشش های بی جا از بیت المال می شد.

ج) اختلاف و چنددستگی میان مسلمانان

پس از وفات پیامبر، گروهی از مهاجران و انصار در مکانی به نام سقیفه بنی ساعده جمع شدند(۳) تا شخصی را برای خلافت برگزینند. در میان آنان، گروهی بنابر سفارش پیامبر به خلافت حضرت علی علیه السلام عقیده داشتند. همین اختلاف بر سر جانشینی پیامبر و کنار گذاشتن شخصی که ایشان به جانشینی خود معرفی کرده بود، سبب شد تفرقه و چنددستگی در میان مسلمانان رخ دهد. بعدها بر اثر همین اختلاف های داخلی، گروه های

۱- حسام الدین الهندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۶ ، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵ ه . ق ۱۹۸۵م، چ ۵، ص ۶۱۰ ، ح ۱۷۰۹۵.

۲- مروج الذهب، ج ۱، ص ۶۹۰.

۳- همان، ص ۶۵۴.

جدیدی در دوره حکومت امیرالمؤمنین علی علیه السلامبه وجود آمد که هر یک خواهان رسیدن به قدرت و حکومت بودند. سرانجام کار به آنجا کشید که گروه های مسلمان در مقابل یکدیگر قرار گرفتند و نیروهای خود را برای نابودی یکدیگر بسیج کردند. در حالی که اگر این گروه ها از جانشین واقعی پیامبر اطاعت می کردند و او را خلیفه مسلمانان می دانستند، امنیت و آرامش در میان مردم ادامه می یافت و مسلمانان هر روز شاهد گسترش اسلام و رونق زندگی خویش بودند.

د) اجرا نشدن حدود الهی و تفسیر به رأی آیات و سنت پیامبر

متأسفانه پس از پیامبر آن گونه که شایسته بود، به احکام و دستورهای اسلام عمل نمی شد و حاکمان، حتی گاه، احکام اسلامی را بنا به مصلحت هایی که خود تشخیص می دادند، زیر پا می گذاشتند. برای نمونه، هنگامی که در زمان خلافت ابوبکر، خالدبن ولید، جنایتی بزرگ را در حق مالک بن نویره و اصحابش انجام داد، با این بهانه که او فرماندهی سپاه را به عهده دارد و مالک بن نویره طغیان کرده است، از اجرای حد خداوند درباره او سر باز زدند.(۱)

افزون بر کوتاهی در اجرای حدود اسلامی، با تفسیر به رأی آیات قرآنی، در سنت پیامبر دخل و تصرف می کردند. برای مثال، وقتی حضرت زهرا علیهاالسلام حق خود را از فدک مطالبه کرد و به آیات قرآنی و سنت پیامبر استدلال فرمود، با تفسیری خاص از روایت پیامبر، از دادن حق او خودداری

۱- تاریخ مفصل اسلام، ص۱۱۱.

کردنـد. یا اینکه آشـکارا متعه و حـج تمتع را که پیامبر حلال کرده بود، حرام دانسـتند.(۱) اینها نمونه هایی روشن از تفسـیر به رأی و اجتهـاد در مقابـل نص بود، ولی در زمـان حضـرت علی علیه السـلام، ایشـان بر عمل به دسـتورهای قرآن کریم و سـنت پیامبر تأکید می کرد و تا حد توان برای اجرای آنها می کوشید.

ه) بی توجهی به شایسته سالاری

پس از درگـذشت پیامبر، واگذاری مسـئولیت های لشـکری و کشوری به افراد نادان، نالایق و طرد کردن افراد شایسـته و مورد اعتمـاد پیـامبر رواج یـافت. بـا تـوجه بـه اینکـه پیـامبر در دوران حکـومت خـود، در انتخـاب والیـان و فرمانـدهان به کـاردانی، شایستگی، ایمان و تقوای آنان توجه ویژه ای داشت و این خود می توانست الگویی برای حاکمان جامعه اسلامی باشد، پس از پیـامبر، متأسـفانه به این مسـئله دقت چنـدانی نشـد و چه بسا افرادی به عنوان والی برگزیـده می شدنـد که پیامبر آنها را از خود رانده و خداوند، آنان را فاسق نامیده بود. آنان افراد نادان و بی تقوا را به عنوان والی برای مناطق اسـلامی می گماشتند که این موجب می شـد مردم دچـار انحراف شونـد. سپردن حکومت شـام به معـاویه بن ابی سـفیان و کوفه به مغیره بن شـعبه را در این راستا می توان دانست.(۲)

از سوی دیگر، افراد امین و مورد اعتماد پیامبر مورد بی مهری و گاه مورد

۱- همان، ص۱۳۵.

۲- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۲.

ضرب و جرح قرار می گرفتند و برخی را نیز تبعید می کردند. برای نمونه، می توان به آزار دادن ابن مسعود، ابوذر و عمار یاسر اشاره کرد که از یاران بزرگ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهبودند.(۱)

و) گسترش منطقه حکومتی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اواخر عمر شریفشان توانست با سرکوبی مشرکان و یهودیان، شبه جزیره را زیر فرمان اسلام درآورد و اسلام را گسترش دهد و کشور یکپارچه و قدرتمندی را تشکیل دهد. البته درباره کشورهای همسایه، تنها به نامه نویسی به سران آنها بسنده کرد.

در زمان خلفای پس از پیامبر، مسلمانان به کشورهای همسایه لشکرکشی کردند و توانستند سرزمین های زیادی را فتح کنند که این امر به طور طبیعی مشکلاتی را برای دستگاه خلافت ایجاد کرد؛ زیرا گسترده شدن سرزمین های حکومتی، تشکیلات حکومتی پیچیده تری را طلب می کرد و همین مسئله، گرفتاری های بیشتری را برای خلفا فراهم می ساخت.

در زمان حضرت علی علیه السلام بر اثر گسترش منطقه حکومتی اسلام، تشکیلات حکومتی پیچیده تر شده و این مسئله نیازمند رسیدگی بیشتر به امور حکومت بود. ازاین رو، حضرت بیشتر به حل و فصل مشکلات حکومت و مردم می پرداخت.

۱- همان، ص ۶۵.

فصل دوم: ویژگی های حاکم اسلامی ازدیدگاه امام علی علیه السلام

اشاره

حضرت علی علیه السلام برای حاکم اسلامی ویژگی هایی را لازم می داند که در این فصل به بررسی مهم ترین آنها می پردازیم.

۱. عدالت

اشاره

امام در بیان این ویژگی می فرماید:

وَ قَدْ عَلِمْتُمْ أنّه لا یَنبَغِی أَنْ یَکوُنَ الوالیَ... وَ لَا الْحائف لِلدَّوَلِ فَیَتَخِذُ قوما دوُنَ قومٍ.(۱)

همانا شما دانستید که سزاوار نیست کسی که در تقسیم بیت المال عدالت ندارد ولایت و رهبری یابد؛ زیرا در اموال و ثروت آنها حیف و میل می کند و گروهی را بر گروهی مقدم می دارد.

حضرت یکی از ویژگی های حاکم اسلامی را عدالت می داند و روشن است

۱- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۸، خطبه ۱۳۱، ص ۲۶۳.

کسی که می خواهد عدالت اجتماعی و قسط اسلامی را در جامعه اجرا کند، خود باید فردی عادل و دادگر باشد و وجود عدالت در نهاد یک شخص، به معنای بودن تمامی نیکی ها و نفی تمامی عیب ها از وجود اوست.

مولای متقیان مظهر عدالت بود و وجودش با عدالت در هم آمیخته بود. او از کوچک ترین ستمی گریزان بود و تنها به شعار بسنده نمی کرد، بلکه در عمل نیز با ستم در ستیز بود و برای به پا داشتن عدالت حتی از عزیزترین بستگانش گذشت نمی کرد؛ زیرا خدا به او فرمان داده بود: «إِنَّ اللّه َ یأْمُرُ بِالعدلِ وَالاِحْسانِ» (نحل: ۹۰)

در ادامه، نمونه هایی از عدالت علوی می پردازیم و نشان می دهیم که چگونه حتی در حق نزدیک ترین افراد خانواده اش از عدالت چشم پوشی نمی کرد.

الف) توبیخ خزانه دار بیت المال

یکی از دختران علی علیه السلام از علی بن ابی رافع ـ خزانه دار بیت المال ـ گردن بندی قیمتی را که از غنایم بصره در بیت المال بود، به عنوان امانت گرفت تا در عید قربان، خود را به آن زینت کند و پس از سه روز آن را برگرداند. وقتی امام گردن بند را به گردن دخترش دید و شناخت، از او پرسید این گردن بند از کجا به تو رسیده است؟ دخترش گفت: از ابی رافع گرفته ام تا در عید قربان به آن زینت کنم! حضرت به علی بن ابی رافع فرمود: آیا به مسلمانان خیانت می کنی؟ گفت: پناه به خدا می برم که به مسلمانان خیانت کنم. حضرت فرمود: پس چگونه گردن بندی را که در بیت المال مسلمانان بوده است، بدون اجازه من و رضایت مسلمانان به دخترم عاریه داده ای؟ گفت: ای امیرالمؤمنین! او دختر تو بود و از من

خواست که برای زینت خود، آن را به وی عاریه دهم. من نیز به عنوان عاریه مضمونه، آن گردن بند را به او دادم و من با مال خود آن را ضمانت می کنم و بر من است که آن را به جایش برگردانم. حضرت فرمود: همین امروز آن را برگردان و مبادا این کار تکرار شود که به عقوبت من دچار خواهی شد و دخترم را بیش از این بازخواست می کنم. اگر او گردن بند را غیر عاریه مضمونه گرفته بود، می دیدی که اولین زن هاشمی بود که دست او را به خاطر دزدی می بریدم.

وقتی این خبر به دختر حضرت علی علیه السلام رسید، خدمت پدر آمد و عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! من دختر و پاره تن تو هستم. چه کسی سزاوارتر از من است که از این گردن بند استفاده کند؟ حضرت به وی فرمود: ای دختر علی بن ابی طالب! خود را از حق دور مکن. آیا همه زنان مهاجران در این عید، با مثل این گردن بند می توانند خود را زینت دهند؟

علی بن ابی رافع می گوید: من گردن بند را از وی گرفتم و به خزانه بیت المال بازگرداندم.(۱)

ب) تقسیم مساوی بیت المال

امام در تقسیم بیت المال نیز عدالت را برقرار می کرد. در روایتی آمده است که امام در یکی از تقسیم های بیت المال که به هر کس سه دینار می داد، به

۱- ابی جعفر محمدبن الحسن طوسی، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، چ ۱۴، ج ۱۰، ص ۱۵۱؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، مصحح: محمد رازی، لبنان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۴۷ ه . ق، ج۱۸، ص۵۲۱، ح ۱ و جرج جرداق، امام علی علیه السلام صدای عدالت انسانی، مترجم: سیدهادی خسروشاهی، قم، نشر خرم، ۱۳۷۵، چ ۲، ج ۱، ص ۱۱۸.

یکی از شخصیت های انصار هم سه دینار داد و به غلام سیاه آزاد شده همان انصاری نیز سه دینار داد. مرد انصاری گفت: ای امیرالمؤمنین! این غلامی است که من دیروز او را آزاد کرده ام، مرا با او یکسان قرار می دهی؟ فرمود: من در کتاب خدا نظر کردم و برای اولاد اسماعیل بر اولاد اسحاق برتری نیافتم.(1)

روش امام علی علیه السلام هنگام خلافت درباره اموال بیت المال و غنیمت های جنگی چنان بود که روزهای جمعه هر هفته، هر چه در آنجا فراهم شده بود، میان مسلمانان تقسیم می کرد. آن گاه کف بیت المال را آب می پاشید و جاروب می کرد. سپس دو رکعت نماز به جای می آورد و پس از پایان نماز می گفت: روز رستاخیز گواه باشید.

حضرت در تقسیم اموال میان عرب و موالی فرق نمی گذارد و می فرمود: من در جایی ندیدم که میان آنان فرقی باشد. روزی دو زن هنگام تقسیم اموال نزد امام آمدند. یکی از آن دو از موالی و دیگری عرب بود. به هر یک از آنها، بیست و پنج درهم و کیلی از طعام گندم و جو عطا کرد. این امر بر زن عرب که به اندازه زن غیر عرب سهم برده بود، گران آمد و گفت: ای امیرمؤمنان! من زنی از نژاد عرب هستم و این یکی، زنی از مردم عجم است. حضرت علی علیه السلام فرمود: به خدا سوگند، من در تقسیم این

۱- أبی جعفر بن محمدبن یعقوب کلینی رازی، روضه الکافی، نجف اشرف، بی نا، ۱۳۸۵ ه . ق، ص ۵۷، ح ۲۶.

غنایم برای فرزندان اسماعیل در جایی، بر فرزندان اسحاق برتری ندیده ام.(۱)

تقسیم عادلانه، اولین حرکت انقلابی حضرت علی علیه السلام پس از بیعت مردم با او بود. این امر نشان داد که سخنانش با عملش یکی است و همه در استفاده و مصرف از اموال بیت المال برابرند.

ج) پرهیز از امتیاز خواهی

مولای متقیان در حفظ اموال بیت المال و تقسیم آن بنا بر دستور خداوند، به اندازه ای سخت گیر و دقیق بود که به نزدیک ترین خویشاوندان و یارانش، کوچک ترین بخششی نمی کرد و به کسی بیش از سهمش نمی داد.

آن حضرت درباره برادرش عقیل می فرماید: به خدا سوگند! برادرم عقیل را دیدم که به شدت تهی دست شده بود و از من درخواست کرد تا یک من از گندم های بیت المال را به او ببخشم. کودکانش را دیدم که از گرسنگی موهایشان ژولیده و رنگشان تیره شده بود که گویا با نیل رنگ کرده بودند. پی در پی مرا دیدار و درخواست خود را تکرار می کرد. چون به گفته های او گوش دادم، پنداشت که دین خود را به او وا می گذارم و به دلخواه او رفتار می کنم و از راه و رسم عادلانه خود دست برمی دارم. روزی آهنی را در آتش گداختم و به بدنش نزدیک کردم تا او را بیازمایم. پس چونان بیمار از درد فریاد زد و نزدیک بود از حرارت آن بسوزد. به او گفتم: ای عقیل! گریه کنندگان بر تو بگریند. از حرارت آهن می نالی که انسان به بازیچه، آن

۱- کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۶، ص ۶۱۰، ح ۱۷۰۹۵؛ فرید پورمصطفی، شناخت نامه علی علیه السلام، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۰۳.

را گرم ساخته است، ولی مرا به آتش دوزخی می خوانی که خدای جبار با خشم خود آن را گداخته است.(۱)

نمونه دیگر، آن است که عبدالله بن زمعه که از شیعیان آن حضرت بود، در دوران خلافت حضرت علی علیه السلام نزد حضرت آمد و از او درخواست مالی کرد. او پنداشت که حضرت، او را بر دیگران مقدم می دارد یا بیش از آنچه حق اوست، از بیت المال می دهد. ولی امام در پاسخ فرمود: «این اموال را که می بینی، نه مال من و نه از آن توست. غنیمتی گردآمده از مسلمانان است که با شمشیرهای خود به دست آورده اند. اگر تو در جهاد همراه شان بودی، چون آنان از سهم برخورداری، وگرنه دسترنج آنان خوراک دیگران نخواهد بود».(۲)

۲. پرهیز از حرص و بخل

امام علی علیه السلام در مورد این ویژگی می فرماید:

بی گمان شما دانستید که سزاوار نیست بخیل بر ناموس و جان و غنیمت ها و احکام مسلمانان، ولایت یابد و امامت آنان را عهده دار شود تا در مال های آنها حریص گردد.(۳)

در این فصل، امیرالمؤمنین علی علیه السلام یکی از ویژگی های حاکم مسلمانان را نداشتن بخل و طمع در اموال مردم معرفی کرده است؛ زیرا اگر حاکم مسلمانان بخیل باشد، پیداست که به سبب حرص زیادی که به اموال

۱- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، خطبه ۲۱۹، ص ۲۴۵.

۲- همان، ج۱۳، خطبه ۲۲۷، ص ۱۰.

۳- همان، ج ۸ ، خطبه ۱۳۱، ص ۲۶۳. وَقَد عَلِمتُم أنه لا یَنبَغی أَن یَکونَ الوَالِی عَلَى الفُروجِ وَ الدِّماءِ وَ الْمَغانِمِ وَ الأَحکامِ و إمَامَهِ الْمُسلِمینَ الْبَخیلُ، فَتَکُونَ فی أَمْوالِهِم نَهْمَتُهُ.

در دست رعیت دارد، مردم از او بیزاری می جویند و در نتیجه، نظام امور از هم گسیخته می شود.

امام علی علیه السلام به جود و بخشش، معروف بود. او روزها روزه می گرفت و شب ها گرسنه می خوابید و اموالش را ایثار می کرد. می گویند او چهار درهم بیش نداشت و آن درهم ها را درهمی در روز، درهمی در شب، درهمی در نهان و درهمی در آشکار صدقه داد.(۱) ازاین رو، این آیه در حق ایشان نازل گشت:

آنان که اموال خود را در شب، روز، نهان و آشکار انفاق می کنند، اجرشان نزد پروردگارشان است.(بقره: ۲۷۴)

امام علی علیه السلام، سخی ترین مردم بود. هرگز به سائلی جواب رد نداد. هنگامی که محفن ابن ابی محفن نبیّ برای خوشایند معاویه که دشمن سرسخت حضرت بود و پیوسته در عیب گویی او می کوشید، به او گفت: از نزد بخیل ترین مردم آمده ام. معاویه به او گفت: وای برتو، چگونه او را بخیل ترین مردم می خوانی، در صورتی که اگر او دو خانه پر از طلا و کاه داشته باشد، چنان ببخشد که خانه طلایش پیش از خانه کاه تمام شود. اوست که بیت المال را جاروب می کرد و در آن نماز می گزارد و ارثی از خود باقی نگذاشت، در حالی که همه دنیا به جز دارایی های شام در اختیار اوست.(۲)

۱- همان، ج۱و۲، ص ۲۱.

۲- همان، ص۲۲.

۳. دانایی و هوشیاری

امیرالمؤمنین علی علیه السلام دربیان این ویژگی می فرماید:

همانا شما دانستید که نادان نیز لیاقت رهبری ندارد تا با نادانی خود مسلمانان را به گمراهی کشاند.(۱)

حضرت، یکی دیگر از ویژگی های حاکم اسلامی را دانایی می داند؛ زیرا اگر حاکم نادان باشد، به سبب جهل به احکام و قوانین دین و ناآگاهی در تدبیر امور، دچار انحراف و گمراهی می شود و گمراهی او مایه گمراهی همه کسانی است که از او پیروی می کنند. حضرت در جای دیگر نیز می فرماید:

ای مردم! سزاوارترین اشخاص به خلافت، کسی است که در تحقق حکومت، نیرومندتر و در آگاهی از فرمان خدا، داناتر باشد تا اگر آشوب گری به فتنه انگیزی برخیزد، به حق باز گردانده شود و اگر سر باز زد، با او مبارزه کند.(۲)

از این سخنان حضرت درمی یابیم «یکی از شرایط حاکم اسلامی، توان مندی در اداره کشور است. آن حضرت نیز در اداره امور مملکت از همگان توان مندتر و در شناخت شرایط و موقعیت ها و چگونگی تدبیر امور شهرها و اداره جنگ ها از همه کس داناتر و به سبب داشتن این صفات، شجاع ترین و دلیرترین مردم بود. دیگر اینکه زمام دار باید بیش از دیگران، دستورهای خداوند را در امور خلافت به کار ببرد. این کار مستلزم آن است که حاکم در اصول و فروع دین، داناتر از دیگران باشد تا هر کاری را در جای خود

۱- همان، ج ۸، خطبه ۱۳۱، ص ۲۶۳.

۲- همان، ج ۱۰، خطبه ۱۷۴، ص ۳۲۸.

انجام دهد. همچنین لازمه این امر، حفظ و مراعات حدود الهی و عمل به آنهاست. ازاین رو، باید از همه مردم، زاهدتر و پارساتر و عادل تر باشد که همه این فضیلت ها را در وجود حضرت علی علیه السلام می یابیم».(۱)

مولای متقیان، داناترین مردم بود. ایشان از ذکاوت زیادی برخوردار و پیوسته ملازم پیامبر بود و از وجود آن حضرت بهره فراوان برده و از نور نبوت بهره مند شده بود پیامبر در مورد او می فرمود: «أَنَا مَدِینَهُ الْعِلْمِ وَ عَلیٌّ بابُها؛ من شهر علمم و علی دروازه آن است».

گفته اند بسیاری از احکام الهی بر صحابه نامعلوم بود و گاهی به غلط فتوا می دادند. سپس به حضرت رجوع می کردند و حضرت به درستی به آنها جواب می داد، تا آنجا که خلیفه دوم عمربن خطاب بارها می گفت: «اگر علی نبود، من هلاک می شدم».

هنگامی که به حضرت، پیشنهاد تعقیب نکردن طلحه و زبیر پیمان شکن را دادند، فرمود:

به خدا سوگند! من همچون کفتار نیستم که با ضربات آرام و ملایم به خواب می رود تا صیاد به او می رسد و دشمنی که در کمین اوست، غافل گیرش می کند. من غافل گیر نمی شوم، بلکه با هوشیاری تمام، مراقب مخالفان هستم.(۲)

در جای دیگر نیز می فرماید:

من آگاهی و بصیرت خود را همراه دارم؛ نه حقیقت را بر خود مشتبه ساخته ام و نه دیگری بر

۱- کمال الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی، شرح نهج البلاغه، مترجم: سیدمحمدصادق عارف، مشهد، مؤسسه انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰، چ ۱، ج ۳، ص ۶۲۴ .

۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، خطبه ۶ ، ص ۲۲۳.

من مشتبه ساخته است.(۱)

در حقیقت، سرچشمه گمراهی هر کس، یکی از این سه چیز است: نخست اینکه به کاری که می خواهد اقدام کند، بصیرت و آگاهی کافی نداشته باشد و ناآگاهانه وارد عمل شود. دیگر اینکه در عین آگاهی، هوا و هوس حجابی بر دیده او بیفکند و او را گرفتار اشتباه کند. سوم اینکه به شیطان اجازه بدهد در او نفوذ کند و حقیقت را برایش مشتبه سازد. هیچ یک از این سه در وجود مبارک آن حضرت راه نداشت؛ زیرا تمام درهای خطا و انحراف را از درون و برون به روی وسوسه گران بسته بود و با هوشیاری آمیخته با تقوای الهی، حقیقت را چنان که بود درمی یافت و در سایه آن به پیش می رفت.

۴. پرهیز از ستمگری

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در بیان این ویژگی می فرماید:

شما دانستید که ستم کار نیز نمی تواند رهبر مردم باشد که با ستم، حق مردم را غصب و عطاهای آنان را قطع کند.(۲)

در این فصل، حضرت یکی دیگر از ویژگی های حاکم اسلامی را ستم کار نبودن معرفی کرده است؛ زیرا اگر حاکم مسلمانان جفاکار باشد، ظلم و جور او مایه نفرت و بیزاری مردم و بریدن آنان از وی می شود. امام علی علیه السلام در جای دیگر می فرماید:

به خدا سوگند، اگر تمام شب را بر روی خارهای سعدان(۳) به سر ببرم یا به غل و زنجیر به این

۱- همان، ج ۱، خطبه ۱۰، ص۲۳۹.
۲- همان، ج ۸ ، خطبه ۱۳۱، ص ۲۶۳. و قَد عِلِمتُم اَنّه... وَ لا الجافِی فَیقطَعَهُم بِجَفائِهِ.
۳- خاری سه شعبه و سخت گزنده که خوراک شتران است.

سو یـا آن سو کشـیده شوم، خوش تر دارم تا خـدا و پیامبرش را در روز قیامت، در حالی ملاقات کنم که به بعضـی از بنـدگان ستم یا چیزی از اموال عمومی را غصب کرده باشم.(۱)

حضـرت بر مهربانی تأکیـد می کنـد و حاکم اسـلامی را از سـتم کاری برحذر می دارد. ایشان در دوران حکومتش نیز مهربان بود. از جمله اینکه یتیمـان را نوازش می کرد؛ در تاریکی های شب از خانه بیرون می رفت و نان و خرما بر دوش می گرفت و مخفیانه به در خانه فقرا و مسـتمندان می رساند. محرومان و ناتوانان و بیوه زنان مستمند، جیره خواران حضرت بودند و خود از آن خبر نداشتند.

حضـرت علی علیه السـلام همـان عـارفی است که از ناله یتیمی منقلب می شود و نان مسـتمندان را بر دوش می کشـد، ولی در برابر کافران، سرکشان، ناکثین، قاسطین و مارقین می ایستد و شمشیر می کشد.

امام علی علیه السلام به هیچ کس ستم نمی کرد، حتی هنگامی که به دست ابن ملجم زخمی شد، در حالی که در خون آغشته بود و او را به خانه می برنـد، درباره قاتل خویش فرمود: «از همان شـیری که به من می دهید، به ابن ملجم هم بدهید و او را با همان ضربه قصاص کنید».

۵. پرهیز از رشوه خواری

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در بیان این ویژگی می فرماید:

و قَدْ عَلِمْتُم أَنَّه... وَ لا الْمُرْتَشِی فِی الْحُکمِ فَیَذهبَ بِالْحُقُوقِ وَ یَقِفُ بِها دُونَ الْمقاطع.(۲)

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج۱۲ خطبه ۲۱۹، ص ۲۴۵.
۲- همان، ج۸، خطبه ۱۳۱، ص ۲۶۳.

همانا شـما دانستیـد که به درستی رشوه خوار در قضاوت نمی توانـد امام باشد؛ زیرا در داوری، با رشوه گرفتن، حقوق مردم را پایمال و حق را به صاحبان آن نمی رساند.

در اینجـا، امیرالمـؤمنین علی علیه السـلام، مردم را به دو نکته تـوجه داده است: پرهیز از رشوه خواری؛ تجـاوز نکردن به حقوق دیگران.

یکی دیگر از ویژگی های حاکم اسـلامی، پرهیز از رشوه خواری در مقام داوری است؛ زیرا اگر حاکم مسلمانان در قضاوت و داوری رشوه بگیرد، بیدادگری و تباه شدن حقوق مردم و بی توجهی به حق، در جامعه فراگیر می شود.

در اینجا نمونه ای از برخورد امیرالمؤمنین علی علیه السلام را با رشوه خواری بیان می کنیم. امام می فرماید: شب هنگام، کسی به دیـدار ما آمـد (اشاره به اشـعث بن قیس دارد که قرار بود فردای آن روز دادگاه اسـلامی به پرونـده وی رسـیدگی کند) که ظرفی سرپوشیده پر از حلوا داشت و معجونی در آن ظرف بود. چنان از آن متنفر شدم که گویا آن را با آب دهان مار سمی یا قی کرده آن مخلوط کرده انـد! به او گفتم: هـدیه است؟ یا زکات یا صدقه که این دو بر ما اهل بیت پیامبر حرام است؟ گفت: نه زکـات است، نه صـدقه، بلکه هـدیه است. گفتم: زنان بچه مرده بر تو بگرینـد، آیا از راه دین وارد شـدی که مرا بفریبی؟ یا عقلت آشـفته شـده یا جن زده شدی یا هذیان می گویی؟ به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم را با آنچه زیر آسـمان هاست، به من دهنـد تـا خـدا را نافرمانی کنم که پوست جوی را از مورچه ای به ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد! همانا این دنیای آلوده شـما نزد من از برگ جویده شده دهان ملخ پست تر است! علی را با نعمت های فناپذیر و لذت های ناپایدار چه

کار؟ به خدا پناه می بریم از خفتن عقل و زشتی لغزش ها و از او یاری می جویم.(1)

۶. عمل به سنت پیامبر

امام علی علیه السلام در بیان این ویژگی می فرماید:

بی گمان شما دانستید کسی که سنت پیامبر را ضایع می کند؛ لیاقت رهبری ندارد؛ زیرا امت اسلامی را به هلاکت می کشاند.(2)

در این عبارت، علی علیه السلام یکی دیگر از ویژگی های حاکم اسلامی را عمل به سنت معرفی کرده است؛ زیرا اگر حاکم مسلمانان، سنت پیامبر را اجرا نکند و قانون های شریعت را فرو گذارد، زمینه های تباهی نظام اجتماعی مردم را در دنیا و نابودی و عذاب آنها را در آخرت فراهم کرده است.

ممکن است در اداره حکومت حوادثی رخ دهد که دستوری در قرآن در مورد آن وارد نشده باشد؛ زیرا احکام قرآن کلی است. در این موارد، باید به سنت پیامبر رجوع کرد و موارد کلی را بر موارد جزئی تطبیق داد. عمل کردن به سنت پیامبر در دوران حکومت، جزو برنامه هایی است که برای حکومت داری لازم و ضروری است و می تواند الگویی برای رهبر جامعه اسلامی باشد که در اجرای احکام از آن بزرگوار پیروی کند. تأکید امام بر

۱- همان ج۱۲ خطبه۲۱۹، ص۲۴۵.

۲- همان، ج ۸ ، خطبه۱۳۱، ص۲۶۳. و قد علمتم أنه... و لا المعطل للسنه فیهلك الأمه.

این مطلب و پای بندی ایشان به انجام این کار، پیش از حکومت خویش نیز روشن بود؛ زیرا در شورایی که عمر تشکیل داد، امام عمل به سنت پیامبر را پذیرفت، ولی عمل به سنت عمر و ابوبکر را قبول نکرد. در اینجا نمونه ای از عمل حضرت علی علیه السلام را بیان می کنیم. هنگامی که در تقسیم بیت المال به حضرت انتقاد کردند و گفتند: ما در زمان عمر از بیت المال سهم بیشتری می گرفتیم، حضرت پاسخ داد: رسول خدا صلی الله علیه و آله اموال را مساوی بین مسلمانان تقسیم می کرد. از اینجا درمی یابیم که روش حضرت علی علیه السلام همان روش پیامبر بود و حضرت می خواست سنت پیامبر را زنده کند.

۷. ساده زیستی و دوری از تجمل گرایی

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این مورد می فرماید:

آگاه باش ! امام شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو قرص نان رضایت داده است. بدانید که شما توانایی چنین کاری را ندارید، ولی با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاک دامنی و راستی مرا یاری دهید. پس به خدا سوگند، من از دنیای شما طلا و نقره نیندوخته و از غنیمت های آن چیزی ذخیره نکرده ام. بر دو جامه کهنه ام، جامه ای نیفزودم و از زمین دنیا حتی یک وجب در اختیار نگرفتم و دنیای شما در چشم من از دانه تلخ درخت بلوط ناچیزتر است.(۱)

در این سخنان، افزون بر سفارش به پرهیز از رفاه زدگی، ساده زیستی خود آن حضرت نیز نشان داده شده است؛ زیرا حضرت از پوشیدنی های دنیا به

۱- همان، ج ۱۵ و ۱۶، نامه ۴۵، ص ۲۰۵.

مقداری که بدنش را بپوشاند (یعنی دو جامه کهنه) و از خوراکی ها به اندازه ای که شدت گرسنگی او را برطرف سازد (یعنی به دو قرص نان) بسنده می کرد و به زینت و آرایش پوشیدنی ها توجهی نداشت. دو جامه کهنه آن بزرگوار، عمامه و قبایی بود که از مراجعه زیاد به پاره دوزی که آن را وصله می زد؛ شرم داشت. همچنین در خوراک خود به لذت و گوارایی آن اعتنا نمی کرد؛ زیرا آن دو گرده نان از جو سبوس ناگرفته ای بود که یکی را هنگام ناهار و دیگری را هنگام شام صرف می کرد.

آن حضرت، زاهدترین و قانع ترین مردم بود و لباس وصله دار می پوشید و لباس و زندگی او در زمان خانه نشینی و دوران خلافت یکی بود. در این مورد، سوید بن غفله می گوید: روزی بر حضرت علی علیه السلام وارد شدم. در خانه حضرت غیر از حصیر کهنه ای که روی آن نشسته بود، فرش دیگری دیده نمی شد. گفتم: ای امیرمؤمنان! مگر شما سلطان مسلمانان و حاکم بر آنها نیستید و مگر همه بیت المال در اختیار شما نیست؟ نمایندگان دولت ها بر شما وارد می شوند، در حالی که خانه شما غیر این حصیر چیز دیگری نیست؟ امام در پاسخ این انتقاد فرمود:

ای سوید! آدم عاقل در خانه انتقالی اثاثیه نمی آورد و حال آنکه خانه همیشگی پیش روی ماست و ما زندگی و اثاث خود را به آنجا منتقل کرده ایم و به زودی به آنجا خواهیم رفت.

سوید می گوید: به خدا سوگند، این سخن علی علیه السلام مرا به گریه

انداخت.(۱)

البته باید در نظر داشت که ساده زیستی حاکم به شرایط زمان بستگی دارد. ساده زیستی و پوشیدن لباس وصله دار حضرت، به دلیل شرایط آن زمان بود؛ چون مردم زمان حکومت حضرت علی علیه السلام لباس و خوراک ساده داشتند، حضرت نیز لباس و زندگی ساده داشت.

۸. پرهیز از غضب و خشونت

امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره این ویژگی در نامه ای به حارث همدانی می فرماید:

خشم را فرو نشان. به هنگام خشم فروتن باش و به هنگام قدرت ببخش و در حکومت مدارا کن تا آینده خوبی داشته باشی.(۲)

بنابر این روایت، یکی دیگر از ویژگی های حاکم اسلامی، پرهیز از غضب و خشونت است؛ زیرا حاکم و والی مسلمانان، وظیفه نگهبانی از آنها را دارد و چه بسا مردم بر اثر نادانی دچار اشتباه و خطایی شوند که در اینجا سزاوار است حاکم مسلمانان از شخص یا اشخاص خطاکار در صورتی که موجب ضرر به مصالح عمومی مردم نشود، گذشت کند؛ زیرا گذشت پایه های دولت را محکم تر می کند و برای دولت، پایگاه مردمی می سازد و موجب رضایت مردم از چنین حاکمی می شود.

امام به مالک اشتر می فرماید:

۱- محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۲۱.

۲- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۸، نامه ۶۹ ، ص ۴۱.

جوشش خشمت، تجاوز دستت و تندی زبانت را در اختیار خود گیر و با پرهیز از شتاب زدگی و فروخوردن خشم، خود را آرامش ده تا خشم فرو نشیند و اختیار نفس در دست تو باشد.(۱)

روح جوان مردانه امام به اندازه ای بود که حتی دشمن خون او بدان امیدوار بود. معاویه می گفت: اگر من در جنگ شکست بخورم، باکی نخواهم داشت؛ زیرا اگر در آن صورت از حضرت علی علیه السلام تقاضای عفو کنم، او مردی کریم و بزرگوار است و مرا می بخشد.

نمونه دیگر آن پس از پیروزی جنگ جمل است. با اینکه بصریان با آن حضرت جنگیدند و به روی او و اولادش شمشیر کشیدند و لعن و ناسزا گفتند، ولی هنگامی که امام بر آنها دست یافت، شمشیر را از آنان برداشت و منادی او در میان سپاه فریاد کرد که فراریان دنبال نشوند و زخمی ها به قتل نرسند و اسیری کشته نگردد. هر که سلاح خود فرو گذاشت، در امان است و هر که به سپاه امام پیوست، در امان است. ساز و برگ آنها را نگرفت، فرزندانشان را اسیر نکرد و چیزی از اموالشان را به غنیمت نبرد و اگر می خواست، می توانست همه این کارها را انجام دهد، ولی راه گذشت و بخشش را پیمود.(۲)

نمونه دیگر این است که وقتی از حضرت علی علیه السلام پرسیدند: «بهترین بندگان چه کسانند؟ فرمود: آنها که وقتی نکویی کنند، خرسند شوند و چون بد کنند آمرزش طلبند و چون عطا گیرند، سپاس گزاری کنند و چون مبتلا

۱- همان، ج۱۷، نامه ۵۳، ص ۳۰.

۲- همان، ج ۱ و ۲، ص ۲۴۷.

شوند، صبوری کنند و چون خشمگین شان کنند، درگذرند».(۱)

بنـابراین، حضـرت علی علیه السـلام همچنـان که در سـخنانش به پرهیز از غضب و خشونت تأکیـد داشت، در عمـل نیز به آنها توجه داشت.

موارد یادشده از مهم ترین ویژگی های حاکم اسلامی ازدیدگاه نهج البلاغه بود.البته موارد دیگری هم هست که در اینجا تنها به عنوان آن بسنده می کنیم: ترک هواپرستی، رازداری، محکم واستوار بودن، پرهیز از غرور، پرهیز از اسراف و... از جمله این موارد است.

ص: ۴۴

۱- مروج الذهب، ج۱، ص۷۷۸.

فصل سوم: اختیارات و وظایف کارگزاران در حکومت امام علی علیه السلام

اشاره

امیرالمؤمنین علی علیه السلام یک سری کارها و وظایفی را برای کارگزاران قرار داده بود. در این فصل این وظایف را بررسی می کنیم.

از آنجا که والی را شخص امام، انتخاب و به عنوان نماینده تام الاختیار خود به منطقه ای می فرستاد، وی اجرا کننده دستورهای حضرت و ادامه دهنده سیاست های امام در آن منطقه بود. پس بی شک، بایستی تا حد ممکن به صفات امام آراسته می بود و شرایطی را که برای حاکم اسلامی برشمردیم، در او نیز وجود می داشت.(۱)

کارگزاران در حکومت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به هفت دسته تقسیم می شدند:

۱. استانداران و فرمانداران؛

۲. کارگزاران بیت المال؛

۳. گردآوران صدقات (مالیات)؛

۴. بازرسان؛

۵.قضات؛

۶. کاتبان و دبیران؛

۱- نک: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۷ و ۱۸، نامه ۵۳، ص ۳۰.

۷. حاجبان و دربانان.(۱)

علی علیه السلام در گماردن کارگزاران به دو گونه عمل می کرد:

الف) برخی را برای منطقه های کوچک تر برمی گزیـد که می توان از آنها به فرمانـدار و بخشدار تعبیر کرد. البته این دو، غیر از کارگزارانی بودند که حضرت برای جمع آوری صدقات و نظارت بر بازار برمی گزید.

ب) کسانی که برای مناطق حساس تر و بزرگ تر انتخاب می شدند و می توان از آنها به استاندار تعبیر کرد.

روش حضـرت این گونه بود که هنگـام اعزام آنهـا به منطقه مـأموریت شـان برایشان دو نامه می نوشت: در نامه اول، آنها را به سمـت شـان منصـوب می کرد و دسـتورهای لازمی را کـه بایـد رعـایت کننـد و سیاستی را که بایـد در پیش بگیرنـد، به آنها یادآوری می کرد.(۲) در نامه دوم که به مردم آن منطقه می نوشت، حاکم جدید را به آنها معرفی می کرد و گاه دسـتورهایی را که به او داده بود، برای مردم یادآور می شد.

این گروه اختیـارات زیـادی داشـتند؛ از جمله برپـایی نماز جمعه، قضاوت، فرمانـدهی لشـکر و اداره امور آن منطقه که به طور کلی به عهده آنها بود.

اختیارات گروه اول که حضرت در نامه ای آنان را به مردم معرفی می کرد، محدود بود. گاهی مقام فرماندهی نیروها و امامت جمعه و جماعت را

۱- علی اکبر ذاکری، سیمای کـارگزاران علی بن ابی طـالب امیرالمؤمنین علیه السـلام، چ ۴، ج ۱، قم، ۱۳۷۸، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۹۲.

۲- همان، ص۹۲.

داشتند و قضاوت به عهده شخص دیگری بود. در برخی موارد، منصب قضاوت نیز به عهده آنان بود. این گروه، تابع رهبر مسلمانان بودند و در محدوده اختیاراتی که در هنگام اعزام به آنها داده شده بود، عمل می کردند.(۱)

پس والیانی که مسئولیت امور کشوری و لشکری مناطق خویش را عهده دار بودند، تقریبا نقش استانداران امروز را ایفا می کردند، با این تفاوت که اختیارات و مسئولیت های گسترده تری داشتند.

حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر می فرماید:

خراج آن دیار را جمع آوری و با دشمنان نبرد کن. کار مردم را اصلاح و شهرها را آباد ساز.(۲)

بنابراین، حضرت در قلمرو حکومت و ولایت خویش، چهار وظیفه اساسی را برای استانداران برشمرده است:

۱. گردآوری خراج

«جِبایَهُ خَراجِها؛ جمع آوری مالیات».

تأمین بودجه های مورد نیاز کشور از طریق مالیات ها وظیفه والی است. خراج به معنای مالیات است، آن هم مالیات ویژه ای که بیان خواهد شد.(۳) برای مثال، مردمان مصر با اختیار و آزادی اسلام را نپذیرفتند، بلکه در برابر

۱- همان، ص۹۳.
۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۷ و ۱۸، نامه ۵۳، ص ۳۰.
۳- اصغر ناظم زاده، تجلی امامت و تحلیلی از حکومت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، قم، الهادی، ۱۳۷۳، چ ۲، ص۲۴۹.

مسلمانان تسلیم شدند و اسلام آوردند. ازاین رو، در اصطلاح فقهی این گونه سرزمین ها را که بدون صلح و سازش به تصرف درآمده باشند، «اراضی مفتوحه العنوه» می گویند. این گونه سرزمین ها ملک همه مسلمان هاست و تمام مسلمانان در آن شریک و سهیم هستند. بر این اساس، دولت اسلامی و حاکم اسلامی، زمین های مفتوح العنوه را با رعایت مصالح اسلامی میان همه مسلمانان تقسیم می کند و در اختیار آنان قرار می دهد و در مقابل، سالانه، اجاره می گیرد. این گونه مال الاجاره را در اصطلاح فقهی «خراج» گویند.(۱)

با گرفتن خراج ها و مالیات ها از افرادی که باید مالیات دهند، نیازها و مشکلات مالی و اقتصادی منطقه حل خواهد شد. پس باید افرادی را برای این کار برگزید که امین باشند و در جمع آوری مالیات ها به مردم خیانت نکنند.

حضرت علی علیه السلام به مأموران خود دستور می داد که برای گرفتن مالیات، مردم را نترسانند و با انصاف با آنان رفتار کنند و درباره برطرف کردن نیازهای مردم بیندیشند؛ زیرا آنان خزانه داران مردم، وکیلان امت و سفیران ائمه هستند. بنابراین، مأموران مالیاتی هنگام گرفتن مال نباید کسی را بترسانند. آنها را از طلب خود باز ندارند و در امر خراج، جامه های تابستانی و زمستانی را از آنان باز نستانند.

۱- محمد فاضل لنکرانی، آیین کشورداری از دیدگاه امام علی علیه السلام، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸، چ ۲، ص ۵۷.

امام علی علیه السلام به محمد بن ابی بکر می فرماید:

خراج زمین را به همان مقدار بگیر که پیش از تو می گرفته اند. چیزی از آن کم نکن و چیزی هم اضافه نکن و آن گاه خراج را در میان مستحقان تقسیم کن، به همان ترتیب که از پیش تقسیم می کرده اند.(۱)

پس یکی از وظایف کارگزاران، جمع آوری مالیات و گرفتن اعانه ها و انفاق ها و تعیین مأمورانی برای دریافت و تقسیم آنها میان مستحقان بود.

۲. جهاد با دشمنان خدا

«جِهادُ عَدُوّها؛ جهاد با دشمنان خدا».(۲)

منظور، سرکوب فتنه گران و دشمنان داخلی و خارجی و نبرد با همه کسانی است که امنیت حکومت اسلامی را تهدید می کنند. به طور کلی، دفاع از حکومت در مقابل متجاوزان، وظیفه والی است. ازاین رو، کارگزاران باید سپاهی را برای دفاع از مرزهای اسلام تشکیل دهند و سرداران و فرماندهان سپاه را تعیین کنند و تصمیم گیری در امور دفاعی و امنیتی و جنگ و صلح را نیز عهده دار شوند.

از اضافه شدن «جهاد» به «عدوها» درمی یابیم که منظور حضرت علی علیه السلام از جهاد، دفاع است. بنابراین، یک کارگزار باید همیشه برای نبرد با دشمنان متجاوز، آمادگی داشته باشد.

۱- محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، مترجم: ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵، چ ۵، ج ۶ ، ص ۲۴۹۳.
۲- تجلی امامت و تحلیلی از حکومت امیرالمؤمنین علی علیه السلام ص۲۴۹.

۳. اصلاح حال مردم

«اِسْتِصْلاحَ أهلِها؛ اصلاح زندگی مردم».

اصلاح زندگی مردم در امور مختلف مادی، معنوی، فرهنگی، دینی، حقوقی و... نیز از وظایف والی است.(۱) این اصلاح، امور مادی و معنوی مردم را در برمی گیرد که در نتیجه آن، باید نیازهای مادی اهل منطقه تأمین شود و هر روز از نظر معنوی نیز به رشد و تکامل بیشتری دست یابند. لازمه اصلاح امور مادی مردم این است که به اوضاع عمومی مردم منطقه رسیدگی شود و از مستمندان و درماندگان دستگیری گردد.

وظیفه استاندار، تنها رعایت جنبه های مادی و مسائل رفاهی و دنیوی مردم نیست، بلکه اصلاح و ارشاد مردم نیز جزو وظایف استاندار و از جمله کارهای اساسی اوست. گره گشایی و برآوردن نیازهای مادی و معنوی مردم از وظایف مهم مسئولان بالای حکومتی به شمار می آید. روشن است که هر گاه مردم به مقتضای طبع بشری به آنچه می خواهند، نرسند، سر به طغیان بر می دارند.

حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر سفارش می کند:

بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند، تا شخصا به امور آنان رسیدگی کنی و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده است، فروتن باش و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخن گوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن، با تو گفت وگو کند.(۲)

۱- همان، ص ۲۴۶.

۲- نهج البلاغه دشتی، نامه ۵۳، ص ۵۸۳.

۴. آبادانی شهرها

«عِمارَهٌ بِلادها؛ آبادانی شهرها».(۱)

این مسئله، امور عمرانی و آبادانی منطقه را دربرمی گیرد. حضرت علی علیه السلام، نسبت به آبادانی شهرها سفارش زیادی داشتند. چنانکه به مالک اشتر می فرماید:

باید تلاش تو در آبادانی زمین بیشتر از جمع آوری خراج باشد، که خراج جز با آبادانی فراهم نمی گردد و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی کشتزاران به دست آورد، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود می کند و حکومتش جز اندک مدتی دوام نیاورد... در گرفتن مالیات به میزانی تخفیف ده تا امورشان سامان گیرد و هرگز تخفیف دادن در خراج، تو را نگران نسازد؛ زیرا در آن، اندوخته ای است که در آبادانی شهرهای تو و آراستن ولایت تو نقش دارد.(۲)

۵. وظایف دیگر کارگزاران

۱. به کارگیری کارمندان پس از آزمون های دقیق و نظارت در کار آنان؛

۲. مشورت با دیگران در به کار گماشتن کارمندان و پرهیز از استبداد رأی؛

۳. فرصت دادن به کارگزاران برای نشان دادن استعداد و کارآیی خود؛

۴. پرهیز از روابط شخصی در گزینش افراد ناکارآمد؛(۳)

۱- همان.

۲- همان.

۳- تاریخ طبری، ج ۶، ص ۲۴۹۲.

۵. رسیدگی به شکایت های مردم از مسئولان و تعیین داوران و قضات؛

۶. دفاع از حریم اسلام و حفظ احکام اسلامی از تغییر و تبدیل؛

۷. صدور فرمان درباره سپاهیان و جای گزین کردن آنان در اطراف مرزها و جیره بندی حقوق آنان، مگر در مواردی که خلیفه، خود، اندازه خاصی را در نظر گرفته باشد؛

۸. به پا داشتن حدود الهی و ادای حقوق مردم؛

۹. امامت نماز جمعه و جماعت و تعیین جانشین برای خود در این منصب؛

۱۰. عهده داری امر حج و سرپرستی زائران خانه خدا در هر سال در موسم حج.(۱)

۱- سیمای کارگزاران امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ج۱، ص۹۶.

فصل چهارم: اهداف حکومتیامیرالمؤمنین علی علیه السلام

اشاره

در این فصل، به اهـداف حکومتی امیرالمؤمنین علی علیه السـلام می پردازیم، ولی پیش از آن باید دانست که حکومت در نظر حضـرت علی علیه السـلام، هـدف نبود، بلکه وسـیله ای بود که به کمک آن می کوشـید احقاق حق و ابطال باطل کند. پس با آن، حـدود الهی را اجرا کرد و عـدالت را در جـامعه گسترش داد؛ همه مردم را زیر پرچم حکومت الهی به حقوق واقعی خود رساند؛ فکرهای خفته را بیدار کرد و انحراف ها و کجی ها را از میان برداشت.

پس حکومت وقتی ارزش پیدا می کند که بتوان در پرتو آن، جامعه را به سوی کمال الهی و مسیر احکام خدایی هدایت کرد و تحریف و بدعت در احکام الهی را برچید. در حقیقت، امام می خواست حکومتی پیرو حکومت رسول خدا صـلی الله علیه و آله تشکیل دهد. با توجه به آنچه گذشت، به اهداف حکومتی آن حضرت می پردازیم:

ص: ۵۳

۱. استقرار عدالت

استقرار عـدالت یکی از اهداف مهم حکومت حضـرت بود. امام در آغاز حکومتش این هدف خود را در خطبه ای چنین بیان فرمود:

به خـدا سوگنـد، بیت المـال تـاراج شـده را هر کجـا بیـابم، به صاحبان اصـلی آن باز می گردانم؛ گرچه با آن ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشـند؛ زیرا در عدالت، گشایش برای عموم است و آن کس که عدالت برای او سـخت است، تحمل ستم برای او سخت تر است.(۱)

بـا دقت در بخش آخر کلاـم حضـرت روشن می شود که در اجرای عـدالت، اموال حلاـل برای اشـخاص باقی می مانـد و تنها امـوال نامشـروعشان از آنـان گرفته می شـود، ولی اگر تن به عـدالت ندهنـد و همچنـان بر رسم سـتم را پافشـاری کننـد، تمـام اموالشان به خطر می افتـد. ممکن است سـتم در کوتاه مـدت به سود سـتم کار باشد، ولی بی شک در درازمدت چنین نخواهد بود.

از دیدگاه علی علیه السـلام، مشروعیت حکومت و زمام داری تنها برای اجرای عدالت در میان انسان ها و رساندن آنها به رشد و کمالی است که استعدادش را در نهاد خود دارند.(۲)

در واقع، پنـج سال حکومت امیرالمؤمنین علی علیه السـلام برای برقراری عـدالت در جامعه ای بود که سال ها، تبعیض نژادی و اختلاف طبقاتی در آن رایج بود. امام علی علیه السلام در اجرای حدود الهی و برپایی یک حکومت

۱- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۵، ص۵۷.

۲- محمدتقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تابستان ۱۳۶۰، چ ۱، ج ۱۶، ص ۹۲.

اسلامی، عدالت را در قلمرو حکومتش سرلوحه خود قرار داد و به خاطر همین شعار، گروهی در مقابل امام ایستادند.

۲. اجرای حق

حضرت علی علیه السلام، یکی دیگر از اهداف حکومت را اجرای حق بیان کرده است، چنان که در نهج البلاغه می فرماید:

به خدا سوگند، داد ستم دیده را از ستم کار می گیرم و افسار ستمگر را می کشم تا وی را به آبشخور حق وارد سازم؛ هرچند کراهت داشته باشد.(۱)

با دقت در بیان امیرمؤمنان می فهمیم که حکومت در نظر حضرت، وسیله ای برای اقامه عدل و اجرای حق و کوبیدن بیدادگری و سنگری برای بیچارگان و ستم دیدگان بود؛ پناهگاهی که با آغوش باز، محرومان جامعه را بپذیرد و حق آنان را از ستمگران بستاند و گلوی چپاولگران را با چنگال عدالت چنان بفشارد که دیگر کسی را فکر تجاوز به حقوق ضعیفان در سر نیفتد.

چون حکومت و زمام داری برای اجرای حق بود، حضرت در این زمینه بسیار سخت گیر بود و مسامحه، سهل انگاری، گذشت و چشم پوشی نسبت به متجاوزان در قاموس زندگی اش راه نداشت.

ابن عباس می گوید: در سرزمین ذی قار بر امام علی علیه السلام وارد شدم. امام در حالی که مشغول وصله کردن کفش خود بود، رو به من کرد و

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۹، خطبه ۱۳۶، ص ۳۱. وَ ایْمِ اللّه ِ لَاَنْصفنَّ الْمَظْلومَ مِنْ ظالِمِه وَ لاَقُودنَّ الظالِمَ بِخَزامَتِه حَتّی أُورِدَه مَنهَل الْحقِّ و اِنْ کان کارها.

فرمود: ارزش این کفش چه قـدر است؟ گفتم: بهایی نـدارد. امام فرمود: «به خـدا سوگند، همین کفش بی ارزش، برای من، از حکومت بر شما بهتر است، مگر اینکه با این حکومت حقی را به پا دارم یا باطلی را دفع کنم».(۱)

۳. اصلاح جامعه

اشاره

یکی دیگر از اهداف حکومتی حضرت، اصلاح جامعه است، چنانکه در این مورد می فرماید:

خـدایا! تو می دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قـدرت، حکومت، دنیا و ثروت نبود، بلکه می خواستیم نشانه های حق یا دین تو را به جایگاه خویش بازگردانیم و در سـرزمین تو، اصـلاح را ظاهر کنیم، تا بندگان ستم دیده ات در امن و امان زندگی کنند و قوانین و مقررات فراموش شده بار دیگر اجرا گردد.(۲)

مولاـی متقیـان، رسـالت اصـلی خود را اصـلاح جـامعه می دانست؛ زیرا فردی پای بنـد به دین و سـنت نبوی بود. افزون بر آن، کسـانی ایشان را بر سـر کار آورده بودنـد که امیـد داشـتند خلیفه جدیـد به اصـلاح خرابی های حکومت های پیشـین بپردازد. تناسب هدف این گروه با شخصیت امام، یکی از دلایل اصلی رویکرد آنان به امام بود.(۳)

حضـرت علی علیه السـلام از نخستین روز حکومت، تمام نیروی خود را برای اصـلاح جامعه به کار برد و به زدودن انحراف ها پرداخت و بدون

۱- همان، ج۲، خطبه ۳۳، ص ۱۸۵.

۲- همان، ج ۸ ، خطبه ۱۳۱، ص ۲۶۳.

۳- رسول جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام، قم، الهادی، ۱۳۷۷، چ ۱، ص ۲۴۹.

کوچک ترین چشم پوشی و ملاحظه کاری در پی تحقق این امر مهم بود. در ادامه، بخشی از آن اصلاحات را بیان می کنیم.

الف) لغو امتیاز طبقاتی

امیرالمؤمنین علی علیه السلام، بیت المال را به طور مساوی میان مردم تقسیم می کرد و میان سیاه، سفید، عرب و غیرعرب فرق نمی گذاشت. به همین سبب، گروهی که حق بیشتری از بیت المال مسلمانان می خواستند، اعتراض کردند و خواهان سهم بیشتری از بیت المال شدند.

علی بن ابی رافع نقل می کند: طلحه و زبیر نزد امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمدند و گفتند: عمر از بیت المال به ما سهم بیشتری می داد. امام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چقدر می داد؟ آنها ساکت شدند. سپس امام افزود: مگر رسول خدا صلی الله علیه و آله اموال را به طور مساوی بین مسلمانان تقسیم نمی کرد؟ گفتند: چنین بود. امام فرمود: روش پیامبر نزد شما درست تر است یا راه عمر؟ گفتند: البته روش رسول خدا، ولی ما سابقه بیشتری در اسلام داریم و زحمت بیشتری کشیده ایم و نیز از بستگان رسول خدا صلی الله علیه و آله هستیم امام فرمود: سابقه شما در اسلام بیشتر است یا سابقه من؟ گفتند: سابقه شما. امام فرمود: نزدیکی شما به رسول خدا صلی الله علیه و آله بیشتر است یا من؟ گفتند: نزدیکی شما. امام فرمود: زحمت من در راه اسلام بیشتر است یا شما؟ گفتند: زحمت شما. سپس امام فرمود: به خدا سوگند، بین من و این اجیرم امتیازی نیست و با دست مبارک خود

ص: ۵۷

به اجیر اشاره کرد.(۱)

ب) شایسته سالاری

مشاغل رسمی بر حسب تقوا و لیاقت به افراد واگذار می شد. در حکومت عدل علی علیه السلام، مکتبی بودن، شرط انتخاب و گماردن به مشاغل دولتی بود.(۲) از جمله می توان به انتخاب محمد بن ابی بکر برای استانداری مصر اشاره کرد. او از یاران مخلص و مورد اعتماد حضرت بود. وقتی طلحه و زبیر به طور رسمی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام خواستند که آن دو را به امارت کوفه و بصره بگمارد، حضرت فرمود: نزد من باشید بهتر است. در واقع، حضرت انتخاب آنها را به زیان حکومت اسلامی می دانست. ازاین رو، از خواست آنان سر باز زد که همین مسئله، سبب مخالفت آنها با حضرت شد و بعدها به جنگ جمل انجامید.

ج) بازگرداندن اموال چپاول شده

افرادی را که درآمد ملت را چپاول کرده و ثروت های مردم را احتکار کرده بودند، تحت تعقیب قرار داد و تا آنجا که توانست اموال غارت شده را به بیت المال برگرداند، هرچند در مهریه زنان قرار داده بودند.

د) پاک سازی عناصر فاسد

استانداران و کسانی را که به مردم ستم می کردند و از اصول حکومت خارج شده بودند، برکنار کرد. امام تصمیم داشت تمام مناطق حکومت اسلامی را

۱- بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۱۱۶.

۲- هاشم هریسی، تکرار تاریخ، دفتر نشر تعالیم اسلامی، ۱۴۰۱ ه_ .ق، ص۶۵.

از لوث وجود حاکمان خودکامه و ستم پیشه بنی امیه که هرکدام در گوشه و کنار دنیای اسلام، غارتگر اموال مردم و پدیدآورنده اختناق بودند و بیت المال مسلمانان را در اغراض خاص سیاسی خود مصرف می کردند، کاملاً پاک سازی کند.

مولای متقیان این اصلاحات را انجام داد؛ چون خطر از میان رفتن ارزش ها را احساس می کرد. به همین خاطر، لازم دانست اصلاح را از اساس شروع کند و از آنجا که حاکمان و والیان، اساس حکومت هستند، تصمیم گرفت حاکمان ناشایست را برکنار کند.

۴. اجرای دستورهای خداوند و روش پیامبر

معیار و میزان در حکومت امام، دستورهای اسلام بود و همه افراد جامعه و حتی اعضای خانواده اش در برابر قوانین اسلامی برابر بودند. حضرت، اداره جامعه را براساس برنامه های الهی استوار کرد و برای رعایت آن از جان و زندگی خویش مایه گذارد و هرگز از مسیر انصاف و حق تجاوز نکرد.

مولای متقیان برای حکومت هیچ ارزش مادی قائل نبود. حکومت و قدرت از دیدگاه آن حضرت، وظیفه و مسئولیتی است که خداوند به عهده افراد آگاه و توانا در رهبری جامعه گذاشته است. هدف حضرت، اجرای کامل سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و احکام قرآن بود. حضرت می خواست برنامه و قوانین اسلام را آن گونه که خداوند و پیامبرش دستور داده بودند، در میان مردم اجرا کند و چهره واقعی اسلام را به جهانیان نشان دهد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره به عمر می فرماید: اگر به سه چیز

عمـل کنی، تو را از دیگر امور بی نیـاز می سـازد و اگر به آنهـا توجه نکنی، غیر آنها تو را کفایت نمی کنـد. عمر گفت: آنها چیست؟ حضرت فرمود:

الف) اقامه حدود الهی نسبت به متخلفان، خواه نسبت به تو دور باشند یا نزدیک؛

ب) عمل به دستورهای قرآن مجید، خواه در حال خشم باشی یا خشنودی؛

ج) تقسیم عادلانه بین سیاه و سفید.(۱)

حضرت علی علیه السلام در جای دیگر می فرماید:

بدانیـد که من شـما را به راه حق خواهم راند و روش پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله را که سال ها متروک مانده است، پیروی خواهم کرد. من دسـتورهای کتاب خـدا را درباره شـما اجرا خواهم کرد و کوچک ترین انحرافی از فرمان خـدا و سـنت پیامبر نخواهم داشت.(۲)

ص: ۶۰

۱- وسائل الشیعه، مصحح: محمد رازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱، ص ۱۵۶، ح ۲.
۲- بحارالانـوار، ج ۳۲، ص ۱۷؛ فضـل اللّه کمپانی، علی علیه السـلام کیست؟، تهران، دارالکتب الاسـلامیه، ۱۳۷۶، چ ۱۸، ص ۱۲۴.

فصل پنجم: شیوه های مدیریتی امام علی علیه السلام

اشاره

در این فصل، به شیوه های مدیریتی حکومت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می پردازیم که در نهج البلاغه آمده و خود آن حضرت نیز آنها را به کار گرفته است. این شیوه های مدیریتی در چند قسمت بررسی می شود. نخست به برخورد و شیوه رفتار امام علی علیه السلام با کارگزاران می پردازیم و بیان می کنیم که حضرت علی علیه السلام به عنوان یک حاکم با کارگزاران خود چگونه رفتار می کرد. پس از آن، به برخورد امیرالمؤمنین علی علیه السلام با مخالفان حکومت می پردازیم. در ادامه مباحث، شیوه های مدیریتی امام علی علیه السلام را در امور نظامی، اقتصادی و سیاسی بررسی خواهیم کرد و در پایان به شیوه های مدیریتی حضرت در مسایل اجتماعی و فرهنگی خواهیم پرداخت.

۱. شیوه مدیریتی امام علی علیه السلام در برخورد با کارگزاران

هنگامی که حضرت علی علیه السلام زمام امور جامعه را در دست گرفت، بی درنگ به تنظیم امور و رفع نارسایی ها پرداخت و برای حکومت خویش، سازمانی را در نظر گرفت. امام با اطاعت خالصانه از خدا و پیامبر گرامی

اسلام، همه مسائل حکومتی را از کتاب خدا و سنت پیامبر استخراج می کرد و به دقت به اجرا می گذاشت.

نخستین کاری که امام پس از دست یابی به حکومت انجام داد، انتخاب افرادی متعهد، مدیر و کاردان و فرستادن آنها به سرزمین های مختلف کشور اسلامی بود. این افراد که حضرت از آنها به عنوان والی نام می برد، با اختیاراتی گسترده و مسئولیتی فراوان به مناطق مورد نظر می رفتند و امور آن منطقه را به دست می گرفتند.

امام در مورد کارگزاران به دو نکته توجه داشت:

۱. دقت و موشکافی بسیار در انتخاب والی؛

۲. نظارت پی گیر بر چگونگی رفتار والیان.

در حقیقت، امام همواره می کوشید فردی خدا ترس، متعهد، لایق و کاردان را برای ولایت مناطق مختلف برگزیند.(۱) آن حضرت هیچ گاه کسی را از روی اغراض شخصی برکنار نکرد، همچنان که شخصی را بر اساس روابط خویشاوندی و دوستانه بر سر کار نیاورد. هر عزل و نصبی که در حکومتش صورت می گرفت، با توجه به معیار تقوا و کاردانی افراد بود؛ زیرا حکومت از دیدگاه حضرت، امانت و وسیله ای برای گرفتن حق مردم و جلوگیری از تجاوز ستمگران بود؛ نه استثمار و بهره وری از جامعه. آن حضرت، حکومت را برای استقرار عدالت و اجرای قوانین الهی می خواست، نه برای حکمرانی

۱- غلام رضا اشرف سمنانی، تحلیلی از مدیریت اسلامی در پنج سال رهبری امام علی علیه السلام، تهران، مؤسسه انتشارات بعثت، ۱۳۶۴، چ ۱، ص ۱۳۴.

بر مردم و منافع شخصی.

هنگامی که امام فرمانی برای کارگزاری می فرستاد، به آنچه اساس و بقای حکومت در آن بود و نیز به مسائلی که به سعادت خود کارگزار و جامعه می انجامید، اشاره می فرمود. از جمله می توان تقوای الهی، ترس از آخرت، خوش رفتاری با مردم و عدالت اجتماعی را نام برد.

امام علی علیه السلام آن قدر از دارایی دولت به فرمانداران می داد که نیازمندی شان را برطرف سازد و آنان را از لغزش در گرداب رشوه باز دارد. کارگزاران حضرت به خاطر حکمرانی حق نداشتند چیزی هر چند به اندازه ناهار یا شام از مردم بگیرند؛ زیرا این بهره برداری اگر از راه حکومت به دست آید، به دزدی و رشوه خواری بیشتر شباهت دارد. بی شک، به کسی که اجازه داده نمی شود شام یا ناهاری را به عنوان رشوه بخورد، اجازه داده نخواهد شد که شهری را چپاول و غارت کند یا نتیجه کار و کوشش مردم را به صورت رشوه بگیرد. البته در کنار این سخت گیری که امام در برابر فرمانداران خطاکار در پیش گرفته بود، از فرمانداران نیکوکار نیز قدردانی می کرد. در ادامه، به نامه ای اشاره می کنیم که امام به عمربن ابی سلمه مخزومی، فرماندار خود در بحرین فرستاده و نعمان بن عجلان را به جای او به کار گماشته و از او خواسته است که در جنگ بر ضد معاویه همراه وی باشد. امام در این نامه می نویسد:

من نعمان بن عجلان زرقی را برای اداره بحرین انتخاب کردم. البته نه برای اینکه تو را سرزنش کنم یا تو را بر بیت المال خاین بشمارم. به جان خودم سوگند که تو به وظیفه خود بسیار نیکو عمل کردی و امانت را خوب نگه داشتی. بدون ناراحتی به سوی من بیا

که تو متهم نبوده و سزاوار سرزنش نیستی، بلکه من می خواهم به سوی ستم کاران شام بروم و دوست دارم که در این ماجرا با من باشی؛ زیرا تو از کسانی هستی که من می خواهم در مبارزه بر ضد دشمن از تو همراهی بجویم. خداوند ما و تو را از آن گروهی قرار دهد که به راه راست بوده و درستکارند.(۱)

بدین ترتیب، آن گروه از فرماندارانی که به مردم خیانت نورزیده و رشوه نمی گرفتند، از سوی امام تشویق می شدند، ولی خیانت کاران نخست توبیخ می شدند و آن گاه اگر عملشان را درست نمی کردند، از کار برکنار می شدند و اگر خلاف کاری آنان زیاد بود، پس از برکناری، آنها را به زندان می فرستادند.

امام علی علیه السلام گاه ناچار می شد والیان و حاکمانی را که کوچک ترین خیانتی نسبت به ملت روا می داشتند، به شدیدترین کیفرها تهدید کند. اگر به او خبر می رسید که یکی از فرمانداران و کارمندانش به غصب و احتکار آلوده گشته است، احساس اندوه می کرد.

در اینجا به نمونه هایی از برخورد امام با کارگزاران اشاره می کنیم.

۱. امام، سعد را به سوی زیادبن ابیه فرستاد و به او گفت که هر چه از مال نزد او باشد، به بیت المال بفرستد؛ زیرا به ایشان خبر رسیده بود که زیاد در خوش گذرانی به سر می برد و ما ل بینوا، فقیر، بیوه زن و یتیم را به خود اختصاص می دهد و خود را نیکوکار جلوه می دهد، در حالی که از

۱- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، نامه ۴۳، ص۱۷۳؛ سید اسماعیل رسول زاده، قضاوت ها و حکومت عدالت خواهی علی بن ابی طالب علیه السلام، تهران، انتشارات یاسین، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۳۱۶.

نیکوکاری به دور است. هنگامی که فرستاده حضرت نزد زیاد اصرار ورزید که دستور امام را اجرا کند، زیاد از پذیرفتن آن سر باز زد. ازاین رو، امام او را از خود راند و این نامه را برای وی نوشت:

سعد به من خبر داد که تو به ناحق به او ناسزا گفته ای و با تکبر، نخوت و غرور او را از پیش خود رانده ای، در صورتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بزرگی و عظمت ویژه ذات خداوندی است و هر کسی که تکبر کند، خداوند بر وی خشم کند. سعد به من خبر داد که تو غذاهای گوناگون و رنگارنگ بر سر سفره می چینی و هر روز خود را با روغن خوش بو می سازی. تو را چه شود که چند روزی برای خدا روزه بداری و از آنچه در پیش تو است، به دیگران بدهی و غذای یک بار را چند بار بخوری و یا از آن به فقیر بدهی. آیا تو که در نعمت غوطه ور هستی و بر همسایه ناتوان، بی چیز، فقیر، بیوه زن و یتیم برتری می جویی، انتظار داری که پاداش نیکوکاران بخشنده را ببری. سعد به من خبر داد که تو مانند نیکوکاران سخن می گویی، ولی مانند گناه کاران عمل می کنی و اگر تو چنین باشی، بر خویشتن ستم کرده و عمل خود را تباه ساخته ای.(۱)

۲. وقتی یکی از فرمانداران را به یک میهمانی فراخواندند و او آن را پذیرفت و خبر به حضرت رسید، اعتراضش بلند شد و او را به شدت سرزنش کرد و فرمود:

ای پسر حنیف! به من گزارش داده اند که مردی از سرمایه داران بصره، تو را به مهمانی خویش فراخوانده است و تو به سرعت به سوی آن شتافته ای. خوردنی های رنگارنگ برای تو آوردند و کاسه هایی پر از غذا پی در پی جلو تو نهادند. گمان نمی کردم مهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندانشان با ستم محروم شده و ثروتمندانشان بر سر سفره دعوت

۱- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۴.

شـده انـد. انـدیشه کن در کجـایی و سـر کـدام سـفره می خوری؟ پس آن غـذایی که حلال و حرام بودنش را نمی دانی، دور بیفکن و آنچه را به پاکیزگی و حلال بودنش یقین داری، مصرف کن.(۱)

۳. مصـقله بن هبیره شـیبانی، فرمانـدار اردشـیر خره فیروزآبـاد از شـهرهای فارس ایران بود. به امام خبر دادنـد که خراج آنها را پراکنده می سازد و می بخشد. امام علی علیه السلام به او نامه نوشت و فرمود:

خبری از تـو بـه مـن رسـیده است که بـاورکردن آن بر من گران آمـد. تـو خراج مسـلمانان را در میـان بسـتگانت و کسـانی از درخواست کننـدگان و دسـته هـا و شـاعران دروغ گو که بر تو درآینـد، بخشـش می کنی. پس سوگنـد به خـدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، دقیقا این گزارش را بازرسی خواهم کرد و اگر آن را درست یافتم، البته خود را نزد من زبون خواهی یافت. پس از زیان کاران مباش.

پس مصـقله به حضـرت نوشت: نـامه امیرمؤمنـان به من رسـید. پس جویـا شویـد و هر گاه درست باشـد، مرا پس از مجازات با شتاب از کار برکنار سازید و اگر من از روزی که به کار گماشـته شده ام تا هنگامی که نامه امیرمؤمنان به من رسیده است، از حوزه مـأموریت خود، دینـار یـا درهمی یا چیزی جز آن ربوده باشم، پس هر برده ای که دارم، آزاد می کنم و گناهان ربیعه و مضر بر من است و باید بدانی که از کار برکنار شدن بر من گواراتر است تا متهم

۱- نهج البلاغه فیض الاسلام، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۶۷، نامه ۴۵، ص ۹۶۵.

شدن. وقتی امام نامه او را خواند، گفت: او را جز راست گو نپندارم.(۱)

۴. حضرت در نامه ای به منذر بن جارود عبدی که در حوزه فرمانداری خود به خیانتی مرتکب شده بود، نوشت:

همانا، شایستگی پدرت مرا نسبت به تو خوش بین کرده و گمان کردم مانند پدرت می باشی و راه او را می روی. ناگهان به من خبر دادند که در هواپرستی چیزی فروگذار نکرده و توشه ای برای آخرت خود باقی نگذاشته ای. دنیای خود را با تباه کردن آخرت آبادان می کنی و برای پیوستن با خویشاوندانت از دین خدا بریده ای. اگر آنچه به من گزارش رسیده است، درست باشد، شتر خانه ات و بند کفش تو، از تو باارزش تر است و کسی که همانند تو باشد، نه لیاقت پاسداری از مرزهای کشور را دارد و نه می تواند کاری را به انجام رساند یا ارزش او بالا رود، یا شریک در امانت باشد یا از خیانت دور ماند. پس چون این نامه دست تو رسد، نزد من بیا.

منذر کسی بود که امیرمؤمنان درباره او فرمود: آدم متکبری است؛ به دو جانب خود می نگرد و در دو جامه که بر تن وارد می کند می خرامد. پیوسته بر بند کفش خود می دمد که گردی بر آن ننشیند.(۲)

۵ . در جایی دیگر به اشعث بن قیس که از سوی عثمان، فرماندار آذربایجان بود، می نویسد:

همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نیست، بلکه امانتی در گردن تو است. باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی. تو حق نداری نسبت به رعیت استبداد ورزی و بدون

۱- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص۱۱۲؛ محمد باقر محمودی، نهج السعاده، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶، ج ۵، ص۱۳۹؛ عبدالحسین امینی، الغدیر، مترجم: سید جمال موسوی، تهران، کتابخانه بزرگ اسلامی، ۱۳۶۸، چ ۵، ج ۲، ص ۷۱.
۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۸، نامه ۷۱، ص ۵۴؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۸.

دستور کار مهمی کنی. در دست تو اموالی از ثروت های خدای بزرگ و عزیز است و تو خزانه دار آنی تا به من بسپاری. امیدوارم برای تو بدترین زمام دار نباشم.(۱)

اینها نمونه هایی از برخورد امیرالمؤمنین علی علیه السلام با کارگزاران حکومتی اش بود که پیوسته آنها را به صداقت و امانت سفارش می کرد و هرگاه تخلف در وظایفشان یا سوء استفاده ای در بیت المال از آنان می دید، به آنها هشدار می داد و در صورت لزوم، آنها را به محاسبه دقیق مالی وادار می ساخت.

شاید برخی گمان کنند که امام در این بازخواست دقیق از فرمانداران افراط کرده است. وقتی بدانند که امام چنان حقوقی به آنان می داد که ایشان را بی نیاز می ساخت و با این وضع هرگز صحیح نبود که آنان، خود را به رشوه خواری و آن هم به هر رنگی، آلوده سازند یا به سوی غنایم هر چند ناچیز گردن بکشند، در این صورت، اعتراف خواهند کرد که حق با حضرت علی علیه السلام بود.

۲. شیوه امام علی علیه السلام در برخورد با مخالفان حکومت

اشاره

در این فصل، برخورد امیرالمؤمنین علی علیه السلام را با مخالفان حکومت به عنوان یکی دیگر از شیوه های مدیریتی حضرت بررسی می کنیم. نخست لازم است شناختی نسبت به مخالفان حضرت داشته باشیم و ببینیم علت این مخالفت ها چه بود. سپس به برخورد حضرت با مخالفان بپردازیم.

۱- همان، ج۱۴، نامه۵، ص۳۳؛ تاریخ یعقوبی، ج۲، ص ۱۱۰.

مخالفان امام، ناکثین، قاسطین، مارقین و قاعدین بودند که به معرفی آنها می پرازیم.

الف) معرفی مخالفان

یک _ ناکثین

اشاره

ناکثین از «نکث» به معنای تخلف و تجاوز از عهد گرفته شده است.(۱)

ناکثین، گروه پیمان شکنی بودند که جنگ جمل را به وجود آوردند. این لقب پیمان شکنی را رسول خدا صلی الله علیه و آله به سردمداران این فتنه داد و مردم را از آینده شان باخبر ساخت.

سردمداران اصلی آن طلحه، زبیر و عایشه بودند که چند ماه پس از روی کار آمدن امام علی علیه السلام در سال ۳۶ه . ق، با تحریک مردم، نخستین جنگ داخلی میان مسلمانان را به وجود آوردند. البته در میان این گروه، شماری از امویان نیز شرکت داشتند که از جمله آنها، مروان بن حکم، عبدالله بن عامر و سعید بن عاص بودند که مردم را برای جنگ تحریک می کردند.

همراهی امویان در این جنگ، تنها از روی فرصت طلبی و نه اعتقاد به سخنان طلحه و زبیر بود و حتی مروان بن حکم در پایان جنگ جمل، طلحه را به قتل رساند.

۱- مفردات، ص ۸۲۲؛ احمدبن محمد مقری فیومی، المصباح المنیر، قم، مؤسسه دارالهجره، ۱۴۰۵ ه_ . ق، چ ۱، ج ۱ و ۲، ص ۶۲۴.

علت اختلاف ناکثین با امیرالمؤمنین علی علیه السلام

بعضی از سردمداران جنگ جمل از اشراف بودند که در زمان خلافت عثمان سهم زیادی از بیت المال می گرفتند و به اشرافی گری عادت کرده بودند. ازاین رو، از حضرت علی علیه السلام سهم بیشتری از بیت المال می خواستند و به دلیل رأیی که به حضرت داده بودند، در انتظار به دست آوردن پست هایی در حکومت ایشان بودند. برای مثال، طلحه و زبیر از امام توقع داشتند که حکومت کوفه و بصره را به آنها واگذار کند، ولی وقتی دریافتند که حضرت از این خواسته آنان سر باز می زند، دست به طغیان برداشتند. یکی دیگر از سردمداران ناکثان، عایشه بود. انگیزه اصلی عایشه از به پاکردن غایله جمل، اختلاف هایی بود که با بنی هاشم و در رأس آنها با حضرت علی علیه السلامداشت. وی این فرصت را مناسب می دید تا خواسته های خویش را عملی سازد و افزون بر آن علاقه مند بود که خلافت به بنی تمیم بازگردد.

یکی دیگر از آنها مروان بن حکم بود که به خاطر کینه هایی که نسبت به پیامبر و حضرت علی علیه السلام داشت، از به خلافت رسیدن آن حضرت ناراحت بود؛ چون حضرت در جنگ های علیه مشرکان در زمان پیامبر، شمار زیادی از بزرگان بنی امیه و قریش را که از اقوام مروان بودند، به هلاکت رسانده بود. او موقعیت را مناسب دید و فرصت را مغتنم شمرد و علیه علی علیه السلام به مبارزه برخاست.

ص: ۷۰

دو ـ قاسطین

اشاره

قاسطین از قسط و قاسط به معنای جائر و ستم کار گرفته شده است.(۱) آنان گروه ستم کاری بودند که جنگ صفین را به وجود آوردند و سردمدار اصلی آن، معاویه با دستیاری عمروعاص بود. لقب قاسطین را نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله به آنان داده بود؛ زیرا حاضر نمی شدند تسلیم عدالت حضرت علی علیه السلامشوند.(۲)

علت اختلاف قاسطین با امیرالمؤمنین علی علیه السلام

قاسطین، قدرت طلبانی بودند که روح نفاق و تقلب بر آنها حاکم بود و با حضرت علی علیه السلام کاری نداشتند، جز اینکه خواستار قدرت بودند و می کوشیدند به هر بهایی، بنیان حکومت امام را در هم بریزند و خود، زمام حکومت را به دست گیرند.(۳) ازاین رو، فتنه ها برپا کردند و اتهام ها زدند. امام در نامه ای درباره خون خواهی عثمان نوشت که قریش را به حال خود واگذارید که شتابان به سوی گمراهی می روند. به جنگ با من هم رأی شدند، همان گونه که پیش از من با رسول الله صلی الله علیه و آله جنگیده اند.

سه ـ مارقین

اشاره

مارقین از «مرق» به معنای خارج شدن گرفته شده است.(۴) به گروه خوارج

۱- المصباح المنیر، ج ۱ و ۲، ص ۵۰۳؛ مفردات، ص ۶۷۰ .

۲- سیداصغر ناظم زاده قمی، تجلی امامت تحلیلی از حکومت امیرالمؤمنین، قم، الهادی، ۱۳۷۳.

۳- علی قائمی امیری، در مکتب امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۷۳، چ ۱، ص ۲۸۹.

۴- مصباح المنیر، ج ۱ و ۲، ص ۵۶۹.

نهروان که از دین خارج شده بودند، مارقین گویند. این گروه تا پایان جنگ صفین در رکاب امیرالمؤمنین علی علیه السلام شمشیر زدند و از یاران حضرت بودند، ولی به دلیل شیطنت بعضی از منافقان و فرو افتادن در داستان حکمیت، از دین خارج شدند. سردمدار خوارج، عبدالله بن وهب بود.(۱)

علت اختلاف مارقین با امیرالمؤمنین علی علیه السلام

اینان مقدس مآب هایی بودند که داغ تر از حضرت علی علیه السلامی اندیشیدند و با اجتهاد و استنباط خود و فتوا می دادند. از جمله آن فتواها این بود که جنگ با معاویه را حرام دانستند و امیرالمؤمنین علی علیه السلام را به سبب ترک جنگ با معاویه تکفیر کردند.

چهار _ قاعدین

قاعدین از «قعد»، به معنای نشست و ایستاد گرفته شده است.(۲) قاعدین به کسانی گفته می شود که از همراهی امام در جنگ ها خودداری می کردند. برای آنان فرقی نمی کرد که علی علیه السلام حاکم باشد یا معاویه. برای آنها مهم این بود که کسی مزاحم کار و زندگی شان نباشد.

سران حزب قاعدین، ابوموسی اشعری، اسامه الحب بن زید، حسان بن ثابت، سعد بن ابی وقاص، عبدالله بن عمر بن خطاب و محمد بن مسلمه بودند. این گروه با حضرت علی علیه السلام بیعت نکردند و هنگامی که

۱- تجلی امامت، ص ۴۱۰.

۲- مفردات، ص ۶۷۸ .

عمار یاسر به حضرت گفت: ای امیرالمؤمنین! همه مردم با تو بیعت کردند، ولی جماعتی از بزرگان مانده اند. اگر مصلحت بدانید ایشان را دعوت کنیم تا بیعت کنند. حضرت فرمود: ای عمار! کسی که با ما رغبت ندارد، ما را نیز به او حاجتی نیست.(۱)

نخستین مخالفت از سوی قاعدین بود؛ زیرا از همراهی با امام در جنگ با ناکثین و قاسطین خودداری کردند و امام در برابر این مخالفت ها آنان را آزاد گذاشت و هیچ گونه اجباری در حق آنان به کار نگرفت. بعضی از تاریخ نگاران، جریان قاعدین را این گونه نقل می کنند: وقتی حضرت برای جنگ در مسیر بصره بود، به وی خبر رسید که عده ای از اصحاب مانند سعد بن ابی وقاص و اسامه بن زید و ابن عمر در امر جنگ کوتاهی می کنند. وقتی آنها را احضار کرد و علت آن را پرسید، سعد گفت: من کراهت دارم به جنگی بیایم که در آن با مؤمنی برخورد کنم. بنابراین، اگر به من شمشیر بدهی که مؤمن را از کافر بازشناسم، در این جنگ شرکت خواهم کرد.

اسامه بن زید نیز به حضرت علی علیه السلام گفت:تو عزیزترین خلق برای

۱- ابومحمداحمدبن علی اعثم کوفی، الفتوح؛ محمدبن احمد مستوی هروی، مصحح: غلام رضا طباطبایی مجد، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴، چ ۲، ص ۳۹۵؛ محمد بن نعمان مفید، الارشاد، مترجم: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، انتشارات علمیه اسلامیه، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۳۷.

من هستی، ولی من با خدا عهد کردم که با اهل «لااله الاالله» نجنگم.(۱)

ب) شیوه برخورد امام علی علیه السلام با مخالفان

اشاره

حضرت علی علیه السلام شیوه های گوناگونی در برخورد با مخالفان داشت که در ادامه، به آنها می پردازیم.

یک _ عفو و بخشش

یکی از شیوه های برخورد حضرت، گذشت و بخشش بود. امام در نامه ای به امام حسن مجتبی علیه السلامی فرماید:

با آن کسی که با تو درشتی کرده است، نرم باش که امید است به زودی در برابر تو نرم شود. با دشمن خود با بخشش رفتار کن؛ زیرا سرانجام شیرین دو پیروزی است.

در جای دیگر به مردم بصره هشدار می دهد:

شما از پیمان شکستن و دشمنی آشکارا با من آگاهید. با این همه، جرم شما را بخشیدم و شمشیر از فراریان برداشتم و استقبال کنندگان را پذیرفتم و از گناه شما چشم پوشیدم.(۲)

در جای دیگری می فرماید:

اگر به دشمنت دست یافتی، بخشیدن او را شکرانه پیروزی قرار ده.(۳)

از بخشش حضرت نسبت به مخالفان، می توان به برخورد حضرت با عایشه اشاره کرد که پس از پایان یافتن جنگ، حضرت علی علیه السلام، عایشه را همراه هفتاد زن در لباس مردانه و همراه برادرش، محمد بن ابی بکر به

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۶، نامه ۳۱، ص ۹؛ شیخ مفید، الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره، قم، الحوزه العلمیه، ۱۳۷۴، ص ۲۰؛ الجمل النصره لسید العتره یا نبرد جمل، مترجم: محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی، چ ۱، ۱۳۶۷.

۲- همان، نامه ۲۹، ص ۳.

۳- نهج البلاغه فیض الاسلام، ج ۲، حکمت ۱۰، ص ۱۰۸۲.

مدینه فرستاد و از او خواست که از خانه پیامبر بیرون نیاید.(۱)

دو ـ برخورد قاطع

یکی دیگر از شیوه های برخورد حضرت با مخالفان برخورد قاطع بود. حضرت علی علیه السلام در نامه ای که به جریر بن عبداللّه بجلی نوشته بود، فرمود:

معاویه را به یکسره کردن کار وادار کن و با او برخوردی قاطع داشته باش. پس او را آزاد بگذار در پذیرفتن جنگی که مردم را از خانه ها بیرون می ریزد یا تسلیم شدنی خوارکننده. سپس اگر جنگ را برگزید، امان نامه او را بر زمین بکوب و اگر صلح خواست، از او بیعت بگیر.(۲)

حضرت در جای دیگر به معاویه می فرماید:

به خدا سوگند، اگر از خونریزی در مهلت تعیین شده پرهیز شود، ضربه کوبنده ای دریافت می کردی که استخوان را خرد و گوشت را بریزاند.(۳)

البته حضرت در برخورد با معاویه از شیوه های متعددی استفاده کرد که برخورد قاطع یکی از آنها بود.

سه ـ پند و اندرز مخالفان

یکی دیگر از شیوه های برخورد حضرت با مخالفان، پند و نصیحت کردن آنها بود. حضرت به این وسیله می خواست آنها را به راه صحیح هدایت کند تا دست از دشمنی های خود بردارند. در این زمینه می توان به نامه حضرت

۱- حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، مترجم: ابوالقاسم پاینده، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۳۸، چ ۲، ج ۱، ص ۲۸۷.

۲- نهج البلاغه فیض الاسلام، ج ۲، نامه ۷، ص ۸۳۳ .

۳- همان، نامه ۷۳، ص ۱۰۶۷.

به معاویه اشاره کرد. حضرت در این نامه می فرماید:

همانـا خداونـد مرا بـا تو و تو را بـا من آزمود و یکی از ما را بر دیگری حجت قرار داد. تو با تفسیر دروغین قرآن به دنیا روی آوردی و چیزی از من درخواست می کنی که دست و زبـانم هرگز به آن نیـالود؛ و تو و مردم شـام، آن دروغ را ساختیـد و به من تهمت زدیـد، تا آگاهان شـما مردم ناآگاه را و ایسـتادگان شـما زمین گیر شـدگان را بر ضد من تحریک کنند. معاویه، از خدا بترس و با شیطانی که مهار تو را می کشد، مبارزه کن.(۱)

امام در جای دیگر به معاویه می فرماید:

معـاویه، از روزی بترس که صاحبان کارهای پسـندیده خوشـحالند و تأسف می خورنـد که چرا عملشان انـدک است. آن روز کسانی که مهار خویش را در دست شـیطان داده اند، سخت پشیمانند. تو ما را به داوری قرآن خواندی، در حالی که خود اهل قرآن نیستی. ما هم پاسخ مثبت به تو ندادیم، بلکه داوری قرآن را گردن نهادیم.(۲)

ای معاویه در کارهای خود از خدا بترس و اختیارت را از کف شـیطان درآور، که دنیا از تو بریده و آخرت به تو نزدیک شده است.(۳)

همچنین حضرت علی علیه السلام با هشدار به خوارج نهروان می فرماید:

شمـا را از آن می ترسانم! مبادا صبح کنیـد، در حالی که جنازه های شـما در اطراف رود نهروان و زمین های پست و بلنـد آن افتاده باشد. بدون آنکه برهان روشـنی از پروردگار و حجت و دلیل قاطعی داشـته باشـید، از خانه ها آواره گشـته و به دام قضا گرفتار شده باشید. من شما را از این حکمیت نهی کردم، ولی با سرسختی مخالفت کردید تا به دلخواه شما کشانده شدم.(۴)

این نصایح امام تا حدودی مؤثر واقع شد و اکثریت آنها توبه کردند و از

۱- همان، نامه ۵۵، ص ۱۰۲۹.

۲- همان، نامه ۴۸، ص ۹۷۱.

۳- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج۱۶، نامه ۳۲، ص۱۳۲.

۴- همان، ج ۲، خطبه ۳۶، ص ۲۶۵.

لشکر خوارج جدا شدند.

چهار _ احتجاج و اتمام حجت

یکی دیگر از شیوه هـای حضـرت در برخورد با مخالفان، روش مناظره و احتجاج بود. از آن جمله، حضـرت در نامه ای که به عبدالله بن عباس برای گفت وگو با خوارج فرستاد، چنین نوشت:

بـا خوارج به قرآن جـدل مکن؛ زیرا قرآن دارای دیـدگاه کلی است و تفسـیرهای گونـاگونی دارد. تو چیزی می گویی و آنها چیز دیگر، ولی با سنت پیامبر با آنان بحث و گفت وگو کن که در برابر آن راهی جز پذیرش ندارند.(۱)

حضـرت علی علیه السـلام پیش از آنکه به سـبب فسـاد خوارج با آنان به جنگ بپردازد، با آنها به گفت وگو پرداخت تا شاید دست از کار خود بردارند.

در جای دیگر که طلحه و زبیر ادعای خون خواهی عثمان را می کردند، امام این گونه پاسخ داد:

شما می دانیـد _ گر چه پنهان می دارید _ که من برای حکومت در پی مردم نرفتم تا آنان به سوی من آمدند و من قول بیعت ندادم تا آنکه آنان با من بیعت کردند و شـما دو نفر از کسانی بودید که مرا خواستید و بیعت کردید... اگر شما دو نفر از روی میل و انتخاب بیعت کردید، تا دیر نشده، از راهی که در پیش گرفته اید، بازگردید و در پیشگاه خدا توبه کنید و اگر در دل با اکراه بیعت کردیـد، خود دانیـد؛ زیرا این شـما بودیـد که مرا در حکومت بر خویش راه دادید. اطاعت از من را ظاهر کردید و نافرمانی را پنهان داشتید. به جانم سوگند، شـما از دیگر مهاجران به پنهان داشتن عقیده و پنهان کاری سزاوارتر نیستید. اگر در آغاز بیعت کنار می رفتید و بیعت نمی کردید، آسان تر بود که بیعت کنید و سـپس به بهانه ای سر باز زنید. شـما پنداشـته اید که من کشنده عثمانم. بیایید تا از مردم مدینه کسی بین من و شما داوری کند.

۱- نهج البلاغه فیض الاسلام، ج ۲، نامه ۷۷، ص ۱۰۷۲.

آنان که نه از من طرفداری کرده و نه به یاری شما برخاسته اند. پس هرکدام به اندازه جرمی که در آن حادثه داشته است، مسئولیت آن را پذیرا باشد.(۱)

همچنین آن حضرت در مقابل ادعاها و سخنان معاویه این گونه فرمود:

خیال کردی به خون خواهی عثمان آمده ای؟ در حالی که می دانی خون او به دست چه کسانی ریخته شده است. اگر راست می گویی از آنها مطالبه کن! همانا من تو را در جنگ می نگرم که چونان شتران زیر بار سنگین مانده، فریاد و ناله سر می دهی و می بینم که لشکریانت با بی صبری از ضربه های پیاپی شمشیرها و بلاهای سخت و بر خاک افتادن مداوم تن ها، مرا به کتاب خدا می خوانند، در حالی که لشکریان تو کافر و بیعت کنندگان پیمان شکنند.(۲)

پنج _ افشا و معرفی مخالفان

یکی دیگر از شیوه های برخورد حضرت با مخالفان، افشا و معرفی اندیشه ها و باورهای آنان بود. هنگامی که برج بن مهرطایی که از شاعران مشهور خوارج بود، با صدای بلند گفت: حکومت تنها از آن خداست، امام در پاسخ او فرمود:

خاموش باش! خدا رویت را زشت گرداند ای دندان پیشین افتاده. به خدا سوگند، آن گاه که حق آشکار شد، تو ناتوان بودی و آواز تو آهسته بود(یعنی شهرتی نداشتی و دارای شخصیت اجتماعی نبودی) و آن هنگام که باطل بانگ برآورد، چونان شاخ بز سربرآوردی.(۳)

حضرت علی علیه السلام در افشا و معرفی ناکثین می فرماید:

همانا ناکثین عهدشکن به جهت نارضایتی در حکومت من به یکدیگر پیوستند و من تا آنجا

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۵، نامه ۱۰، ص ۷۹.

۲- نهج البلاغه فیض الاسلام، ج ۲، نامه ۶۴، ص۱۰۲۶.

۳- همان، ج ۱، خطبه ۱۸۳، ص ۶۰۱.

که برای وحدت اجتماعی شما احساس خطر نکنم، صبر خواهم کرد؛ زیرا آنان اگر برای اجرای مقاصدشان فرصت پیداکنند، نظام متزلزل می شود. آنها از روی حسادت بر کسی که خداوند، حکومت را به او بخشیده است، به طلب دنیا برخواسته اند و می خواهند کار را به گذشته بازگردانند.(۱)

حضرت در جای دیگری در افشای طلحه و زبیر می فرماید:

همانا شما را از کار عثمان، چنان آگاهی دهم که شنیدن آن چونان دیدن باشد. مردم بر عثمان عیب گرفتند و من تنها کسی از مهاجران بودم که او را به جلب رضایت مردم واداشتم و کمتر به سرزنش او زبان گشودم، ولی طلحه و زبیر آسان ترین کارشان آن بود که بر او یورش برند و او را برنجانند و ناتوانش سازند. عایشه نیز ناگهان بر او خشم گرفت. عده ای به تنگ آمدند و او را کشتند.(۲)

حضرت علی علیه السلام در معرفی عایشه می فرماید:

اما عایشه، پس افکار و خیالات زنانه بر او چیره شد و کینه ما در سینه اش چون کوره آهنگری شعله ور گردید. اگر از او می خواستند آنچه را بر ضد من انجام داد، نسبت به دیگری روا دارد، سر باز می زد. به هر حال، احترام نخست او برقرار است و حساب رسی اعمال او با خدای بزرگ است.(۳)

همچنین امام در مورد معرفی معاویه فرمود:

مردی که نه خود آگاهی لازم دارد تا رهنمونش باشد و نه رهبری دارد که هدایتش کند. تنها دعوت هوس های خویش را پاسخ گفته و گمراهی عنان او را گرفته است و او را اطاعت می کند که سخن بی ربط می گوید و در گمراهی سرگردان است.(۴)

۱- همان، خطبه ۱۶۸، ص ۵۴۰.

۲- همان، ج ۲، نامه ۱، ص ۸۲۲ .

۳- همان، ج ۱، خطبه ۱۵۵، ص ۴۷۸.

۴- همان، ج۲، نامه۷، ص۸۳۳.

معاویه! از چه زمانی شما زمام داران امت و فرماندهان ملت بودید؟ نه سابقه درخشانی در دین و نه شرافت والایی در خانواده دارید. پناه به خدا می برم از گرفتار شدن به دشمنی های ریشه دار. تو را می ترسانم از اینکه به دنبال آرزوها تلاش کنی و آشکار و نهانت یکسان نباشد.(۱)

همچنین وقتی عماریاسر با مغیره بن شعبه بحث و مناظره می کرد، امام به عمار می فرمود:

ای عمار! مغیره را رها کن؛ زیرا او از دین به مقداری که او را به دنیا نزدیک کند، برگرفته و به عمد حقایق را بر خود پوشیده داشته تا شبهه ها را بهانه لغزش های خود قرار دهد.(۲)

اینها نمونه هایی از افشاگری و معرفی مخالفان از زبان امام علی علیه السلاماست. حضرت از هر شیوه ای برای هدایت این مخالفان سود جست، ولی کارساز نبود.

شش ــ سرزنش و نکوهش

یکی دیگر از شیوه های برخورد حضرت با مخالفان، سرزنش و نکوهش آنها بود. از جمله پس از پایان جنگ جمل، حضرت علی علیه السلامدر مسجد جامع شهر بصره به نکوهش مردم پرداخت و فرمود:

شما سپاه یک زن، پیروان حیوان، شتر عایشه، بودید. تا شتر صدا می کرد، می جنگیدید و تا دست و پای آن قطع گردید، فرار کردید. اخلاق شما پست و پیمان شما از هم گسسته، دین شما دورویی و آب آشامیدنی شما شور و ناگوار است و کسی که میان شما زندگی کند، به کیفر گناهش گرفتار می شود و آن کس که از شما دوری گزینند، مشمول آمرزش پروردگار

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۵، نامه ۱۰، ص ۷۹.
۲- نهج البلاغه فیض الاسلام، ج ۲، حکمت ۳۹۷، ص ۱۲۶۶.

می گردد.(۱)

حضرت در جای دیگر به نکوهش خوارج می پردازد و می فرماید:

از رحمت خدا دور باشند چونان قوم ثمود. آگاه باشید اگر نیزه ها به سوی آنها راست شود و شمشیرها بر سرشان فرود آید، از گذشته خود پشیمان خواهند شد. امروز شیطان آنها را به تفرقه دعوت کرد و فردا از آنها بیزاری می جوید و از آنها کنار خواهد کشید. همین ننگ آنان را کافی است که از هدایت گریختند و در گمراهی فرو رفتند، راه حق را بستند و در حیرت و سرگردانی ماندند.(۲)

هفت _ شکوه و شکایت از مخالفان

یکی دیگر از شیوه های برخورد حضرت با مخالفان، شکوه و شکایت از آنهاست. امیرالمؤمنین علی علیه السلامبارها در نهج البلاغه از مخالفانش شکوه کرده است. حضرت در شکوه و شکایت از ناکثین چنین می فرماید:

طلحه و زبیر و یارانشان بر من خروج کردند و همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، عایشه را به همراه خود می کشیدند؛ چونان کنیزی که به بازار برده فروشان می برند و به بصره روی آوردند، در حالی که همسران خود را پشت پرده نگه داشتند، ولی پرده نشین حرم پیامبر را در برابر دیدگان خود و دیگران قرار دادند. لشکری را گردآوردند که همه آنها به اطاعت من گردن نهاده و بدون اکراه و با رضایت کامل با من بیعت کرده بودند. پس از ورود به بصره، به فرماندار من و خزانه داران بیت المال مسلمانان و به مردم بصره حمله کردند. گروهی از آنان را شکنجه کردند و گروه دیگر را با حیله کشتند. به خدا سوگند، اگر جز به یک نفر دست نمی یافتند، او را عمدا بدون گناه می کشتند. کشتار همه آنها برای من حلال بود؛ زیرا همگان حضور داشتند و انکار نکردند و از مظلوم با دست و زبان دفاع نکردند، چه رسد به اینکه

۱- همان، ج۲، خطبه ۱۳، ص۵۵.

۲- همان، خطبه ۱۸۰، ص۵۷۸.

ناکثین به تعداد لشکریان خودم، از مردم بی دفاع بصره قتل عام کردند.(۱)

حضرت در جای دیگر، در شکوه از طلحه و زبیر چنین می فرماید:

خدایا! طلحه و زبیر پیوند مرا گسستند، بر من ستم کردند و بیعت مرا شکستند. مردم را برای جنگ با من شوراندند. خدایا! آنچه را بستند، تو بگشا و آنچه را محکم رشته اند، پایدار مفرما! و آرزوهایی که برای آن تلاش می کنند، بر باد ده! من پیش از جنگ از آنها خواستم تا باز گردند و تا هنگام آغاز نبرد، انتظارشان را می کشیدم، ولی آنها به نعمت پشت پا زدند و بر سینه عافیت دست رد گذاردند.(۲)

۳. شیوه مدیریت نظامی امیرالمؤمنین علی علیه السلام

اشاره

سیاست های مدیریت نظامی امام را می توان به دو فصل تقسیم کرد. در فصل نخست، شرایط امام در انتخاب و انتصاب فرماندهان و فصل دوم، سفارش ها و دستورهای امور نظامی برای سپاهیان را می توان بیان کرد.

الف) انتخاب و انتصاب فرماندهان نظامی

از دیدگاه امام علی علیه السلام، فرماندهان سپاه، باید از همه پندپذیرتر، پاکدل تر، خردمندتر و بردبارتر باشند و دیر به خشم آیند و زود عذر گناهان را بپذیرند و با ضعیفان و زیردستان، مهربان و با زورمندان سخت گیر باشند. کسانی که درشتی مردم موجب ستم به آنان نشود و نرم خویی مردم آنان را بی حرکت نکند. پس افرادی باشند که میان خود و دیگران برابری برقرار کنند و از امکانات خویش بر سپاهیان ببخشند تا آنها و خانوده شان در

۱- همان، ج ۱، خطبه ۱۷۱، ص ۵۴۸.

۲- همان، خطبه ۱۳۷، ص ۴۱۱.

آسایش باشند. در این صورت، در نبرد با دشمن همه یک دل و یک اندیشه می شوند.(۱)

ب) سفارش ها و دستورهای نظامی برای سپاهیان

اشاره

این فصل، شامل چهار قسمت می شود:

یک _ تاکتیک های نظامی

اشاره

تاکتیک های نظامی را می توان در چند قسمت بررسی کرد:

اول _ آرایش سپاه

حضرت علی علیه السلام در مورد چگونگی آرایش سپاه هنگام حرکت به میدان جنگ، نکته های جالبی را بیان کرده است که ما در اینجا به آنها می پردازیم.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

جز با کسی که با تو پیکار کند، پیکار نکن. در خنکی صبح و عصر، سپاه را حرکت ده. در هوای گرم، لشکر را استراحت ده و در پیمودن راه شتاب مکن و در آغاز شب حرکت نکن؛ زیرا خداوند شب را وسیله آرامش قرار داده و آن را برای اقامت کردن، نه کوچ کردن تعیین فرموده است. پس آسوده باش و مرکب ها را آسوده بگذار. آن گاه که سحر آمد و سپیده صبحگاهان آشکار شد، در پناه برکت پروردگارت حرکت کن؛ هرجا دشمن را دیدی، در میان لشکرت بایست؛ نه چنان به دشمن نزدیک شو که چونان جنگ افروزان باشی و نه آن قدر دور باش که پندارند از نبرد می هراسی، تا فرمان من به تو رسد. مبادا کینه آنان پیش از آنکه آنان را به راه هدایت فراخوانید و درهای عذر را برآنان ببندید، شما را به جنگ وادارد.(۲)

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۷، نامه ۵۳، ص ۳۰.

۲- همان، ج۱۵، نامه۱۲، ص۹۲.

آن حضرت در جای دیگر می فرماید:

زره پوش ها را در پیشاپیش لشکر قرار دهید و آنها که کلاه خود ندارد، در پشت سر قرار گیرند.(۱)

مبادا دشمن از جایی که می ترسید یا از سویی که بیم ندارید، ناگهان به شما یورش آورد! و بدانید که پیشاهنگان شما دیده بان لشکریانند و دیده بانان، طلایه داران سپاهند و از پراکندگی بپرهیزید. هرجا فرو می آیید، با هم فرود بیایید و هرگاه کوچ می کنید، همه با هم کوچ کنید و چون تاریکی شب شما را پوشاند، نیزه داران را پیرامون لشکر بگمارید و نخوابند مگر اندک و چونان آب دهان چرخاندن و بیرون ریختن.(۲)

هنگامی که حضرت علی علیه السلام به جنگ اقدام می کرد، فرمان حمله را پس از ظهر و نزدیکی های تاریکی صادر می فرمود. وقتی فرماندهان علت تأخیر فرمان حمله را از آن حضرت می پرسیدند، پاسخ می داد که ساعت های عصر به شب نزدیک است، بگذارید تاریکی فرا رسد، تا آنان که می خواهند در میدان جنگ حاضر شوند و هنوز در راهند، وارد میدان نشوند؛ یعنی به مرز زندگی و مرگ نرسند و آنان که زخم خورده اند، از تاریکی استفاده کنند و زندگی خود را نجات دهند. از سوی دیگر، هر اندازه که سپاهیان به شب نزدیک تر می شوند، سست تر می شوند و از حالت جوش وخروش و پرخاش آنان کاسته می شود و درهای رحمت الهی بر خاک نشینان باز می گردد. بدین ترتیب، شماره کشته شدگان کاهش می یابد. این منطق امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که منطق والای اسلام نیز به

۱- نهج البلاغه شهیدی، تهران، شرکت علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸، چ ۱۴، خطبه ۵۴، ص ۴۵.
۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۵، نامه ۱۱، ص ۸۹.

شمار می رود.

دوم _ چگونگی استقرار سپاه

امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره جایگاه استقرار نظامیان در برابر دشمن می فرماید:

هرگاه به دشمن رسیدید یا او به شما رسید، لشکرگاه خویش را بر فراز بلندی ها یا دامنه کوه ها یا بین رودخانه ها قرار دهید تا پناهگاه شما مانع هجوم دشمن باشد. جنگ را از یک سو یا دو سو آغاز کنید و در بالای تپه ها، دیده بان هایی بگمارید.(۱)

دو _ ایجاد روحیه مقاومت در سپاه

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این مورد می فرماید:

اگر کوه ها از جای کنده شوند، تو ثابت و استوار باش، دندان ها را بر هم بفشار، کاسه سرت را به خدا عاریت ده، پای بر زمین میخکوب کن، به صفوف پایانی لشکر دشمن بنگر و از فراوانی دشمن چشم بپوش.(۲)

حضرت در بخش اول این خطبه می فرماید «اگر کوه ها از پای می افتند، ولی تو بر پای بایست»، یعنی پایداری گام تو باید از کوه ها استوارتر باشد؛ چون استواری کوه جنبه مادی دارد، ولی استواری سرباز اسلام، مربوط به روحیه اوست. آن سربازی که روحیه و هدف ندارد، اگر قدرت جسمی فراوان هم داشته، ولی به جهاد ایمان نداشته باشد، می لغزد. پس در واقع، مهم ترین مسئله در میدان جنگ، مسئله پایداری است و این شرط پیروزی بر دشمن است.(۳)

۱- همان، ص ۸۹ .

۲- همان، ج ۲، خطبه ۱۱، ص ۲۴۱.

۳- فخرالدین حجازی، جنگ از دیدگاه نهج البلاغه، تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۶۲، صص ۸ و ۹.

حضـرت در بخش دوم این خطبه می فرمایـد: «دنـدان هایت را به هم فشار ده». فشار آوردن دنـدان ها دو فایـده دارد: نخسـت اینکه ترس و وحشت را می زدایـد و به همین دلیـل، هنگـامی که انسـان از ترس بلرزد، اگر دنـدان ها را محکم بر هم بفشارد، لرزش او سـاکت یـا کم می شود و دیگر اینکه اسـتخوان هـای سـر را محکم نگـاه می دارد و در برابر ضـربات دشـمن آسـیب کمتری به آن می رسد.(۱) همچنان که حضـرت در جای دیگر می فرمایـد: دنـدان ها را روی هم فشار دهید که این کار تأثیر شمشیر را بر سر کمتر می کند.(۲)

همچنین در بخش دیگر این خطبه می فرماید: «جمجمه خویش را به خدا عاریت ده». سرت را به خدا بده و مانند یک عاریه به او بسپار. اگر جمجمه ات متلاشـی شد، خدا در عوض زندگی جاوید و ابدی به تو خواهد داد و اگر پیروز شوی، این جمجمه نیرومند است. پس نترس از اینکه جمجمه ات متلاشی می شود.

در بخش دیگر این خطبه آمـده است: «گام هایت را در زمین میخکوب کن.» یعنی هرگز فکر عقب نشـینی و فرار از میـدان را نکن و در برابر دشـمن، ثابت قدم باش! همچنین بر سـست نبودن ظاهری و جسـمانی و عقب نشینی نکردن تأکید می کند. اگر یک سرباز گامش بلرزد و از رویارویی دشمن بگریزد،

۱- ناصر مکارم شیرازی و جمعی از همکاران، پیام امام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵، چ ۱، ج ۱، ص ۴۹۱.
۲- نهج البلاغه شهیدی، خطبه ۱۲۴، ص۱۲۲.

دیگر سربازان نیز فرار می کنند و میدان جنگ خالی از مبارز می ماند. پس قدم ها را بر زمین میخکوب کردن دو فایده دارد:

الف) اضطراب را فرو می نشاند و تصمیم انسان را بر جنگ دوام می بخشد؛

ب) چنین حالتی نشانه شجاعت و شکیبایی در ناخوشایندی هاست و سبب ضعف و شکست دشمن می شود.(۱)

در بخش دیگر این خطبه می فرماید: «نگاهت به آخر لشکر دشمن باشد». این نگاه سبب می شود که به تمام میدان و لشکر دشمن احاطه پیدا کند و آرایش جنگی را در همه جای میدان زیر نظر بگیرد و از کم و کیف آن آگاه شود. محاسبه تهاجمی یا دفاعی خویش را براساس صحیح استوار سازد و بداند که دشمن چه می کند و به حیله گری و موارد ضربه پذیری لشکر توجه داشته باشد.

در بخش دیگر می فرماید: «از فراوانی دشمن چشم بپوش». معنای کنایی عبارت، آن است که نسبت به زیادی نیرو و تجهیزات دشمن بی اعتنا باش و از آن چشم ببند و با شجاعت و شهامت بر دشمن بتاز و ضربات خود را بی واهمه بر او فرود آور.(۲)

حضرت در جای دیگر نیز می فرماید: «چشم های خود را فرو گیر تا قلب

۱- کمال الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی، شرح نهج البلاغه ابن میثم، مترجم: قربان علی محمدی مقدم، علی اصغر نوایی یحیی زاده، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵، چ ۱، ج ۱، ص ۵۷۲.
۲- پیام امام، ص ۴۹۴.

شما قوی تر و روح شما آرام تر باشد».(۱) منظور این است که چشم بپوش و جلو برو و موج دشمن را به حساب نیاور تا بتوانی پیروز و سربلند شوی.

سه ـ یاری جستن از خداوند

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «وَاعْلَمْ أَنَّ النَّصرَ مِنْ عِندِاللّهِ سُبحانه؛ و بدان که پیروزی از سوی خداوند سبحان است».(۲)

در این سخن، حضرت به یک نکته مهم و اساسی که مایه قوت دل ها و آرامش خاطر است، اشاره می کند و می فرماید: با این همه، بدان که پیروزی از سوی خداوند سبحان است. گفته اند مقدمات و زمینه سازی ها، تنها از نظر ظاهر به شمار می آید، آنچه مهم است، اراده خداست که پیروزی از آن سرچشمه می گیرد.

همچنین حضرت در جایی می فرماید:

برای مقابله با دشمن، سپاه را بیرون بیاور و با آگاهی لازم به سوی دشمن حرکت کن و با کسی که با تو در جنگ است، آماده پیکار باش. مردم را به راه پروردگارت بخوان و از خدا فرمان یاری بخواه که تو را در مشکلات کفایت می کند.(۳)

پس حضرت علی علیه السلام یکی از شیوه های نظامی خود را یاری جستن از خداوند عنوان می کند و پیروزی را از سوی خداوند می داند. پس باید در میدان جنگ از یاد خدا غافل نبود و او را در نظر داشت تا به پیروزی رسید.

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲، خطبه ۱۱، ص ۲۴۱.

۲- همان، خطبه ۱۲۴، ص ۱۲۲.

۳- نهج البلاغه فیض الاسلام، نامه۳۴، ص۹۴۳.

چهار ـ پرهیز از آغازگری در جنگ

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این مورد می فرماید:

کسی را به پیکار دعوت نکن، ولی اگر تو را به نبرد خواندند، بپذیر؛ زیرا آغازگر پیکار، تجاوزکار است و تجاوزکار، شکست خورده است.(۱)

حضرت در سخنانی به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلامی فرمود: «هرگز کسی را به مبارزه دعوت مکن. همچنین می فرمود: تا دشمن به جنگ نپردازد، من نبرد را آغاز نمی کنم و به سپاهیانش می فرمود: تیری میفکنید، با نیزه مزنید، شمشیر مکشید تا بهانه ای در کار نباشد».(۲)

حضرت، هیچ گاه آغازگر نبرد نبود و هنگامی که از سوی دشمن حمله می شد، خدا را گواه می گرفت و آن گاه به نبرد می پرداخت. برخوداری از چنین روح مسالمت طلبی در برابر خصومت های شدید، کاری عجیب است.

امام وظیفه اصلی خویش را در جنگ، مبارزه علیه کفر و ستم می دانست. ازاین رو می فرمود:

به خدا سوگند، اگر من تنها به میدان جنگ روم و فراوانی دشمن، زمین را پر کرده باشد، هرگز نهراسم و از نبرد باز نایستم.(۳)

آن حضرت در آن سه جنگی که در زمان خلافتش رخ داد، هرگز آغازگر جنگ نبود. برای نمونه، در جنگ جمل بر اثر تیراندازی دشمن، سه تن از

۱- نهج البلاغه شهیدی، حکمت ۲۳۳، ص ۴۰۰.
۲- رجب علی مظلومی، علی علیه السلام؛ معیار کمال، تهران، نشر آفاق، ۱۳۷۸، چ ۴، ص ۱۷۹؛ جرج جرداق، الامام علی علیه السلام، مترجم: سیدهادی خسروشاهی، قم، نشر خرم، ۱۳۷۵، چ ۲، ج ۱، ص ۱۱۲.
۳- علی علیه السلام معیار کمال، ص ۱۸۰؛ الامام علی علیه السلام، ص ۱۲۴.

یاران او کشته شدند و آن گاه امام، جنگ را شروع کرد.(۱)

روش حضرت علی علیه السلام این بود که فراری را نکشد و زخم دار را بی جان نکند و پرده ای را برندارد و مالی را نگیرد.

آن حضرت می فرماید:

با دشمن جنگ را آغاز نکنید تا آنها شروع کنند؛ زیرا بحمدالله حجت با شماست. تا آنکه دشمن به جنگ روی آورد، حجت دیگر بر حقانیت شما خواهد بود و اگر به اذن خدا شکست خوردند و گریختند، آن کس را که پشت کرده است، نکشید و آن را که قدرت دفاع ندارد، آسیب نرسانید و مجروحان را به قتل نرسانید و زنان را به آزار دادن تحریک نکنید؛ هرچند آبروی شما را بریزند یا امیران شما را دشنام دهند که آنان در نیروی بدنی و روانی و اندیشه کم توانند.(۲)

حضرت علی علیه السلام در این سخن به چند نکته اشاره کرده است: آغازگر جنگ نبودن، رعایت اصول انسانی در جنگ و سفارش هایی درباره زنان پس حضرت شیوه نظامی اش پیش و پس از جنگ را بیان کرده و به تمام جزئیات جنگ و مسائل آن پرداخته است.

در آخر این فصل، لازم است دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام را درباره صلح بیان کنیم. حضرت در این باره می فرماید:

هرگز پیشنهاد صلح از سوی دشمن را که خشنودی خدا در آن است، رد مکن که آسایش رزمندگان و آرامش فکری تو و امنیت کشور در صلح تأمین می گردد، ولی زنهار! زنهار! از دشمن خود پس از آشتی کردن؛ زیرا گاه دشمن نزدیک می شود تا غافل گیر کند. پس دوراندیش باش و خوش بینی خود را متهم کن. حال اگر پیمانی بین تو و دشمن منعقد گردید

۱- محمود عبدالصمدی، زندگی نامه علی بن ابی طالب علیه السلام، تهران، انتشارات شوق، ۱۳۶۰، ص ۱۰۰.

۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۵، نامه ۱۴، ص ۱۰۴.

یا او را در پناه خود در امان دادی، به وعده خویش وفا کن و بر آنچه گرفتی، امانت دار باش و جان خود را سپر پیمان خود گردان؛ زیرا هیچ یک از واجبات الهی مانند وفای به عهد نیست.(۱)

بنابراین، حضرت به صلح نیز نظر داشت و منطق ایشان تنها منطق جنگ نبود، بلکه منطق حضرت بر مبنای عدالت و مصلحت شرع استوار بود.

۴. سیاست های اقتصادی امام علی علیه السلام

اشاره

در نهج البلاغه و دیگر مجموعه های حدیثی، مطالب بسیاری از امام علی علیه السلام در زمینه سیاست های کلی اقتصادی به چشم می خورد که با عمل به آنها دستاوردهای درخشانی در راستای رونق اقتصادی به دست خواهد آمد؛ زیرا حضرت، جهت گیری های کلی را در برنامه ریزی اقتصادی بیان کرده است.

الف) سامان دهی مالیات و برقراری امنیت اقتصادی _ اجتماعی

دریافت مالیات از امور بسیار مهم در اقتصاد هر حکومتی است، چنان که امام در نامه ای به مالک اشتر می فرماید:

مالیات و بیت المال را به گونه ای وارسی کن که صلاح مالیات دهندگان باشد؛ زیرا بهبودی مالیات و مالیات دهندگان، عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه است و تا امور مالیات دهندگان اصلاح نشود، کار دیگران سامان نخواهد گرفت؛ زیرا همه مردم نان خور مالیات و مالیات دهندگانند.(۲)

۱- همان، ج۱۷، نامه۵۳، ص ۳۰.

۲- نهج البلاغه فیض الاسلام، نامه ۵۳، ص ۱۰۲۵.

آن حضرت در جای دیگر درباره موارد مصرف مالیات می فرماید:

اموال چهار قسم است: اموال مسلمانان که باید آن را براساس سهم هر یک از وارثان تقسیم کرد؛ غنیمت جنگی که باید آن را به نیازمندانش رساند؛ خمس که خدا جایگاه مصرف آن را تعیین کرده است و صدقات که خداوند راه های بخشش آن را مشخص فرموده است.(۱)

در برنامه ریزی های اقتصادی، امنیت، عامل مهمی است که بدون آن شکوفایی اقتصادی امکان پذیر نیست. منظور از چنین امنیتی، روش برخورد دولت با تاجران و کسبه و تولیدکنندگان و کارگزاران و برنامه ریزی دولتی در راستای امنیت شغلی آنان است. در وقت گرفتن خراج نباید کسی را مجبور کرد تا دارایی های مورد نیازش مانند لباس یا مرکب سواری (که برای کارهای روزانه اش مفید است) یا خدمتکار و غلامش را به فروش برساند.

همچنین حق ندارند مال کسی از مردم مسلمان یا اهل کتاب را که با حکومت اسلامی پیمان بسته اند، بگیرند، مگر اینکه اسب و اسلحه ای باشد که بدان وسیله بر مسلمانان تجاوز کنند؛ زیرا گرفتن آنها از دست دشمنان واجب است تا مبادا سبب نیرومندی آنها گردد.(۲)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام به کارگزارانش می فرماید:

هرگز کسی را از نیازمندی او باز ندارید و از خواسته های مشروعش محروم نسازید و برای گرفتن مالیات از مردم، لباس های تابستانی و یا زمستانی، مرکب سواری و برده اش را نفروشید

۱- همان، حکمت ۲۷۰.

۲- نهج البلاغه شهیدی، نامه ۲۵، ص ۲۸۶.

و برای گرفتن درهمی، کسی را با تازیانه نزنید و به مال کسی که نمازگزار باشد و یا غیرمسلمانی که در پناه اسلام است، دست اندازی نکنید، جز اسب یا اسلحه ای که برای تجاوز به مسلمان ها به کار گرفته می شود.(۱)

ب) رعایت حقوق محرومان در تعیین بودجه اقتصادی

اشاره

محرومان و مستضعفان همواره مورد سفارش حضرت بوده اند. آن بزرگوار لحظه ای از رسیدگی به حال آنان غافل نبود؛ نه تنها خود چنین بود، بلکه این امور را به کارگزارانش هم سفارش می کرد. همچنان که خطاب به مالک اشتر می فرماید:

همانا در این طبقه محروم، گروهی خویشتن دارند و گروهی به گدایی، دست نیاز برمی دارند. پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است. بخشی از بیت المال و بخشی از غله های زمین های غنیمتی اسلام را در هر شهری به طبقه پایین اختصاص ده.(۲)

علل تنگناهای اقتصادی

در یک نظام الهی غیر از اموال مادی به عوامل غیر مادی و معنوی هم توجه می شود و با ریشه یابی آنها، اقتصاد کشور شکوفا می شود؛ چنان که حضرت علی علیه السلام در ریشه یابی تنگناهای اقتصادی می فرماید:

بار خدایا! بارانت را بر ما ببار و ما را نا امید برمگردان و با خشک سالی و قحطی ما را نابود مفرما و با کردار زشتی که بی خردان ما انجام داده اند، ما را به عذاب خویش مبتلا مگردان.(۳)

حضرت در این بخش، یکی از علل تنگناهای اقتصادی را نباریدن باران بیان

۱- همان، نامه ۵۱.

۲- نهج البلاغه فیض الاسلام، نامه ۵۳، ص ۱۰۱۹.

۳- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۹ و ۱۰، خطبه ۱۴۸، ص ۱۰۹.

کرده است. در جای دیگر، یکی از علل تنگناهای اقتصادی را اسـراف و زیاده روی می دانـد، چنان که می فرماید: «آنکه میانه روی کند، تهی دست نخواهد شد».(۱)

امام با الهام از مکتب اسلام، هرگونه اسراف و زیاده روی در استفاده از امکانات مادی را عملی نادرست شمرده است؛ به گونه ای که در نامه ای به عبدالله بن عباس ـ حاکم بصره ـ چنین نوشت:

از اسـراف بپرهیز و میانه روی را برگزین. از امروز به فکر فردا باش و از اموال دنیا به انـدازه کفاف خویش نگه دار و زیادی را برای روز نیازمندی ات در آخرت پیش بفرست.(۲)

در جای دیگر درباره جلوگیری از اسراف و صرفه جویی در بیت المال، به کارگزاران خود می فرماید:

نوک قلم های خود را تیز کنیـد و خطوط را نزدیک بنویسـید و کلمات اضافی را برای من ننویسـید و به معانی توجه کنید و از زیاده روی بر حذر باشید؛ زیرا اموال مسلمانان تحمل زیان را ندارد.(۳)

از ایـن سـخنان حضـرت درمی یـابیم کـه ایشـان بـه پرهیز از اسـراف تـوجه ویژه ای داشـتند و آن را یکی از علـت هـای تنگی اقتصادی می شـمرد. در اینجا، به نمونه ای از صـرفه جویی حضرت در مصرف بیت المال اشاره می کنیم. «شبی امیرالمؤمنین بر بیت المال داخل شد تا تقسیم آنها را در دفتر حساب

۱- نهج البلاغه شهیدی، حکمت ۱۴۰، ص ۳۸۶.

۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۵ و ۱۶، خطبه ۲۱، ص ۱۳۹.

۳- ابی جعفر محمد بن علی بن حسـین بن بابویه قمی صدوق، الخصال، قم، جماعه المدرسین، ۱۳۶۲، ص ۳۱۰، باب الخمسه، ح ۸۵ .

بنویسد. در این هنگام، طلحه و زبیر وارد شدند. حضرت چراغی را که مقابلش بود، خاموش کرد و فرمود: چراغ دیگری را از خانه اش بیاورند. آنها پرسیدند: میان دو چراغ، چه فرقی است؟ فرمود: روغن این چراغ از بیت المال است. در روشنی آن نشستن و با شما در غیر بیت المال سخن گفتن سزاوار نیست».(۱)

ج) عدالت در امور مالی و توزیع ثروت

ثروت همیشه به عنوان یکی از شاخص های بسیار مهم نفوذ و تأثیر در کنار قدرت مطرح بوده است. ثروت در تحکیم و تداوم قدرت نقش بسزایی دارد که دشمنان و رقیبان امام به راحتی از آن استفاده می کردند و در پیشبرد اهداف حکومتشان از آن بهره می بردند.

امام پس از به قدرت رسیدن، با پای بندی کامل به عدالت، سیاست های سرسختانه ای در امور مالی در پیش گرفت. حضرت در دومین روز حکومت خود اعلام کرد: «به خدا سوگند، بیت المال تاراج شده را هر کجا که بیابم، به صاحبان اصلی آن باز می گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشند».(۲)

حضرت تمام اراضی و املاکی را که عثمان تیول برخی اعضای خانواده و نزدیکان خود کرده بود، مصادره کرد و هر درهمی که به غیر مستحق آن

۱- بحارالانوار، ج۴۱، ص۱۱۶. محمد حسن موسوی کاشانی، بر امیرمؤمنان علیه السلام چه گذشت؟، قم، مؤلف، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۰، صص ۱۶۵و۱۶۶.

۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱ و ۲، خطبه ۱۵، ص ۲۶۹.

بخشیده شده بود، پس گرفت و به بیت المال بازگردانید و سهم هر یک را یکسان داد.آن حضرت در جایی می فرماید:

به خدا سوگند، تا عمر دارم و شب و روز برقرار است و ستارگان از پی هم طلوع و غروب می کنند، هرگز چنین کاری نخواهم کرد. اگر این اموال از خودم بود، به گونه ای مساوی در میان مردم تقسیم می کردم، تا چه رسد که جزو اموال خداست. آگاه باشید بخشیدن مال به آنها که استحقاق ندارند، زیاده روی و اسراف است. ممکن است در دنیا، مقام بخشنده آن را بالا برد، ولی در آخرت پست خواهد بود.(۱)

این سیاست به ویژه برای سران قریش و رؤسای قبایل که از ثروت های زمان عثمان بهره مند شده بودند، بسیار سنگین بود.

د) نظارت بر تجارت، صنعت و کشاورزی

اقتصاد، شامل تجارت و کشاورزی است و حضرت به این موارد نیز توجه داشت. بازرگانی و تجارت، در شکوفایی اقتصادی یک جامعه نقش عمده ای دارد. بی تردید می توان گفت میان پیشرفت اقتصادی و توسعه تجارت و بازرگانی رابطه مستقیمی برقرار است؛ بدین معنا که هرجا فعالیت های تجاری رونق داشته باشد، پیشرفت اقتصادی هم زیاد می شود. از همین رو، تجارت در همه زمان ها مظهر فعالیت های اقتصادی است، چنان که امیرالمؤمنین می فرماید:

به تجارت بپردازید؛ زیرا شما را از مردم بی نیاز می کند. همانا خداوند عزوجل شاغل امین را دوست دارد.(۲)

۱- همان، ج ۷ و ۸، خطبه ۱۲۶، ص ۱۰۹.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴، ح ۲.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام از هنگامی که به خلافت رسید و مردم با او بیعت کردند، به تاجران و پیشه وران و صنعتگران توجه ویژه ای نشان می داد و بر کار آنها نظارت می کرد و آنها را به استانداران خود سفارش می فرمود؛ زیرا غفلت کردن از کار تاجران و صنعتگران را عامل پریشانی اوضاع اقتصادی کشور می دانست. ازاین رو، آنها را از آفت هایی که تجارت و صنعت را به خطر می اندازد، برحذر می داشت و خود در کوچه و بازار حاضر می شد و نقاط ضعف کار کسبه و پیشه وران را گوشزد می کرد تا این شغل مقدس به انحراف نرود و تاجران و کسبه و بازاریان به صورت زالوصفتان جامعه مطرح نشوند.

امام علی علیه السلام، مردم را به تجارت تشویق می کرد تا از این طریق، اقتصاد جامعه رونق بگیرد. امام می فرمود: «إِتَّجِرُوا بارَکَ اللّهُ لَکُم؛ تجارت کنید تا خداوند به شما برکت بدهد».(1)

حضرت علی علیه السلام در جاهایی که خود حضور نداشت، افرادی را برای نظارت بر کارکرد اقتصادی و بازاریان می گمارد تا کسی نتواند به غش و حیله دست بزنند. همچنین وظایفی را بر عهده متوالیان بازار قرار داده بود که عبارتند از:

۱. جلوگیری از احتکار؛

۲. مراقبت و نظارت بر قیمت ها و جلوگیری از اجحاف در قیمت ها؛

۳. تفتیش و بازرسی در مورد تقلب و غش؛

۱- همان، ص۵، ح ۱۲.

۴. رسیدگی بر امور تاجران و حفظ حرمت آنان؛

۵. برقراری امنیت در راه های تجاری.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره وظایف حاکم اسلامی در برابر تاجران و صنعتگران به مالک اشتر می فرماید:

آنها را به نیکوکاری سفارش کن. بازرگانانی که در شهر ساکنند یا آنان که همواره در سیر و کوچ کردن هستند و بازرگانانی که با نیروی جسمانی کار می کنند؛ زیرا آنان منابع اصلی منفعتند ... این را هم بدان که در میان بازرگانان، کسانی هم هستند که تنگ نظر، بدمعامله، بخیل و احتکار کننده اند که تنها با زورگویی به سود خود می اندیشند و کالا را به هر قیمتی که می خواهند، می فروشند که این سودجویی و گران فروشی، برای همه افراد جامعه زیان بار و عیب بزرگی بر زمام دار است. پس از احتکار کالا- جلوگیری کن که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن جلوگیری می کرد. باید خرید و فروش در جامعه اسلامی به سادگی و با موازین عدالت انجام گیرد، با نرخ هایی که به فروشنده و خریدار زیانی نرساند. کسی که پس از منع تو احتکار کند، او را کیفر ده تا عبرت دیگران شود، ولی در کیفر او اسراف نکن.(۱)

بدون بازرگانان و صاحبان صنایع، مردم نمی توانند دوام بیاورند؛ زیرا آنان وسایل زندگی را فراهم می آورند و در بازارها عرضه می کنند و بسیاری از وسایل زندگی را با دست می سازند که از توان دیگران خارج است.(۲)

کشاورزان نیز طبقه مهمی از جامعه هستند و در زندگی اجتماعی، مؤثرترین قشر هستند. در روزگار امام علی علیه السلام، کشاورزان گسترده ترین طبقه اجتماعی بودند و مرکز ثقل جامعه را تشکیل می دادند.

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۷، نامه ۵۳، ص ۵۸.
۲- همان.

خود حضرت نیز کشاورزی می کرد و در مورد کشاورزان به والیان خود سفارش می کرد و می فرمود:

بایـد توجه تو در آبـادانی زمین بیشتر باشـد از دقتی که در گرفتن مالیات به عمل می آوری؛ زیرا دریافت خراج جز به آبادانی زمین ممکن نمی شود. کسـی که بدون کوشش در آبادانی زمین، از مردم خراج بخواهد، شهرها را ویران کرده و بندگان خدا را به هلاکت رسانده است. چنین حکومتی جز اندک زمان باقی نخواهد ماند.(۱)

۵. شیوه مدیریت سیاسی امیرالمؤمنین علی علیه السلام

اشاره

سیـاست امیرالمـؤمنین علی علیه السـلام براسـاس موازین اسـلام و قرآن بود و آن حضـرت هیـچ گـاه از موازین اسـلام منحرف نگردید و ذره ای از احکام اسلام سرپیچی نکرد. ایشان در تمام مدت حکومتش، کتاب خدا و سنت رسولش را در نظر داشت و در هیچ کاری، سلیقه های شخصی را که مخالف کتاب خدا و رسولش باشد، به کار نگرفت.

بی گمـان، امـام علی علیه السـلام از شـیوه هـا و ابزارهایی که حکومت او را تـداوم بخشـد و از تمام نیرنگ هایی که پایه های حکومتش را اسـتوار سـازد، آگـاهی داشت، ولی آنچه او را از به کـارگیری نیرنـگ در امر سـیاست باز می داشت، دین و تقوا بود. حضـرت علی علیه السـلام، موفقیت و پیروزی را در خشنودی، رضای خدا و اجرای حق و عدالت می دید، نه در حکومت چند روزه بر مردم؛ زیرا نه دنیا را می خواست و نه حکومت بر آن را. به

۱- همان، ج ۱۷، نامه ۵۳، ص ۵۸.

فرموده خود حضرت، ارزش تمام دنیا و حکومت آن، کمتر از یک کفش وصله دار بود. هدف حضرت این بود که حقی را احیا و باطلی را نابود کند و عدالتی را برقرار سازد.

این روش حضرت، به معنای سستی در رأی و ضعف در سیاست نیست، بلکه کمال قوت و قدرت اوست؛ زیرا ضعیف کسی است که هر از چند گاهی براساس مصالح شخصی یا ترس و طمع یا عوامل دیگر از معیارهای حق عدول کند، ولی حضرت هیچ گاه معیارهای حق را برهم نزد و سستی نورزید. او مانند برخی از سیاست مداران نبود که با اسم مشورت، سر مردم را گرم کند و کاری به رأی و نظر آنها نداشته باشد.

امام، دین را وسیله تحکیم موقعیت و حکومت خود قرار نداد تا با آن مردم را بازی دهد. او حکومت را وسیله ای برای اجرای دین می دانست، نه دین را وسیله ای برای حکم رانی بر مردم. بعضی از یاران امام، سیاست را به مکر و فریب در حکومت تعبیر می کردند، ولی امام، سیاست را درستی در امر حکومت می دانست. در ادامه به برخی از روش های سیاسی امیرالمؤمنین علی علیه السلاممی پردازیم.

الف) پرهیز از حیله و نیرنگ

حضرت علی در دوره حکمرانی و اداره امور مردم، هرگز نیرنگ بازی و فریب کاری نکرد. او نمی خواست از این راه برای خود موقعیتی فراهم کند. در سیاست او ملاحظه کاری وجود نداشت. هرگز فریب مداحان چاپلوس را نخورد و در لفافه ای عوام فریبانه با مردم سخن نگفت. صراحت لهجه و صداقت در گفتار و کردار از ویژگی های رفتار سیاسی او بود. همچنان که

خود آن حضرت می فرماید:

ای مردم! وفا همراه راستی است که سپری محکم تر و نگه دارنده تر از آن سراغ ندارم. آن کس که از بازگشت خود به قیامت آگاه باشد، خیانت و نیرنگ ندارد، ولی امروز در محیط و زمانه ای زندگی می کنیم که بیشتر مردم حیله و نیرنگ را راه زیرکی می پندارند و افراد جاهل، آنان را اهل تدبیر می خوانند.(۱)

امام در جای دیگر، در پاسخ مغیره بن شعبه که بقای معاویه را در شام، موافق سیاست روز می دانست، فرمود:

به خدا سوگند، اشتباه می کنید. معاویه از من زیرک تر نیست، او دغل باز و فاسد است. من نمی خواهم دغل بازی بکنم و از جاده حقیقت منحرف شوم و فسق و جور مرتکب شوم. اگر خدای تبارک و تعالی، دغل بازی را دشمنی نمی پنداشت، در آن وقت می دیدید که زرنگ ترین مردم دنیا، علی علیه السلام است. دغل بازی، فسق و جور است و این گونه فجورها، کفر است و من می دانم که هر فریب کاری در قیامت محشور می شود، در حالی که یک پرچم دارد.(۲)

از این سخنان حضرت، درمی یابیم که یکی از صفات برجسته امام، صداقت در سیاست و قاطعیت در تصمیم گیری ها بود و هیچ نوع فریب کاری و سازش کاری و دورویی را برنمی تابید. همین صداقت و درست کاری ایشان سبب شد تا در مسئله شورا پس از مرگ خلیفه دوم، خلافت از دست آن حضرت بیرون رود و به عثمان منتقل گردد. همین صراحت و صداقت سبب شد تا سیاست مداران؛ یعنی کسانی که هر نوع سازش و فریب کاری را

۱- نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۴۱، ص ۱۱۷.
۲- همان، خطبه ۱۹۱، ص ۶۳۹ .

برای رسیدن به مقام و یا حفظ آن، سیاست می دانند، آن حضرت را سیاست مدار ندانند و در شیوه اداره حکومت به آن حضرت ایراد بگیرند.

حضرت می توانست بـا دادن مقـام و منصبی بی جا به طلحه و زبیر، از غایله جمل جلوگیری و با ادامه حکومت معاویه در شام موافقت کند تا جریان صفین پیش نیاید و با پذیرش مطالب جاهلانه خوارج، از جنگ نهروان جلوگیری کند، ولی هرگز چنین نکرد؛ زیرا سیاست مداری صادق و عادل بود، نه فریب کار.

ب) مشورت

یکی دیگر از شیوه های سیاسی حضرت، مشورت با مردم بود. علی علیه السلام در این باره می فرماید:

هر کس خود رأی شد، به هلاکت می رسد و هر کس با دیگران مشورت کرد، در عقل آنان شریک می شود.(۱)

امام معتقـد بود بهترین راه حل ها و صـحیح ترین شـیوه ها با اسـتفاده از آرای مختلف مردم به دست می آیـد. از همین رو، در سفارش هایش به مالک می فرماید:

با دانشـمندان، بسیار مذاکره و با حکیمان درست کردار فراوان گفت و گو کن، تا در نتیجه مشورت کردن با آنها، آنچه صلاح و اصلاح شهرهای تو به آنهاست، ثابت و استوار گردد و کردار نیک پیشینیان تو که بر پا داشته اند، همچنان پابرجا بماند.(۲)

۱- نهج البلاغه شهیدی، حکمت ۱۶۱، ص۳۹۱.

۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۷، نامه ۵۳، ص ۳۰.

از این سخنان امام در می یابیم که گرچه مشورت و انجام کارها از طریق شورایی بسیار سودمند و نتیجه بخش خواهد بود، ولی باید در نظر داشت که افراد شورا بایستی صلاحیت کافی برای مشورت کردن را دارا باشند. ازاین رو، امام سفارش می کند که با دانشمندان و درست کاران مشورت کن؛ یعنی با کسانی که هم آگاهی کافی داشته باشند و هم مورد اعتماد و درست کار باشند. به بیان دیگر، مشورت کردن با نا آگاهان و افرادی که اطلاعی در زمینه مورد بحث ندارند یا در عین آگاهی، درست کار نباشد و احتمال خیانت آنها می رود، نه تنها انسان را به مسیر درست هدایت نمی کند، بلکه ممکن است نتیجه معکوس نیز بدهد.

حضرت، مردم را از مشورت با سه گروه بر حذر داشته است:

یک _ تنگ نظر: شخص تنگ نظر، جز با تنگ نظری یا ترساندن از بیچارگی، رأی نمی دهد و این خود باعث دور داشتن شخص مشورت کننده از کار خیر است.

دو _ ترسو: شخص ترسو نظر نمی دهد، مگر به لزوم حفظ نفس و ترس از دشمن؛ چون مصلحت در نظر او همین است. تمام اینها باعث سستی از نبرد و ضعف در ایستادگی در برابر دشمن می گردد.

سه _ حریص: شخص حریص همواره مشغول جمع آوری مال و نگه داری آن است و این خود سبب تجاوز از عدالت و انصاف است. بنابراین، چنین

شخصی شایستگی مشورت را ندارد.(۱)

ج) عدالت همه جانبه

حضرت، خطوط کلی سیاست خود را بر عدالتی همه جانبه و در برگیرنده همه افراد بنا کرده بود. در اعطای امتیازها هیچ گونه تفاوتی بین افراد نمی گذاشت تا کوچک ترین اختلافی پیش نیاید.

عدل، چنان سپر محکمی است که رعایت آن موجب تداوم قدرت و اقتدار نظام سیاسی می گردد، ولی مهم ترین و فراگیرترین اثر عدالت در سازندگی و اصلاح جامع متبلور می شود؛ زیرا عدل سبب انتظام امور مردم و جامعه است و هیچ چیز به اندازه عدالت نمی تواند مردم را اصلاح کند. اجرای عدالت، مخالفت ها را از میان می برد و دوستی و محبت ایجاد می کند و در آبادانی کشور و توسعه اقتصادی و صنعتی آن تأثیر بسزایی دارد. اگر عدالت در جامعه اجرا نشود، ظلم و ستم جای آن را خواهد گرفت و ستم جز بدبختی و خشونت، فرجامی در پی نخواهد داشت.(۲)

به اعتقاد امام علی علیه السلام، ملاک حکمرانی، عدالت است. عدالت محکم ترین بنیانی است که در هر نظام اجتماعی باید وجود داشته باشد. حضرت علی علیه السلام بهترین نوع سیاست و حکومت را مبتنی بر عدل می داند و می فرماید: سیاست درست سه سیاست است: نرمی همراه با

۱- کمال الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی، شرح نهج البلاغه ابن میثم، مترجم: محمدرضا عطایی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴، چ ۱، ج۵، صص ۲۴۵ و ۲۴۶.

۲- سیده مهاجر، علی؛ اقیانوس عدالت، تهران، نشر طلا، چ ۱، ص ۵۱.

احتیاط، کنجکاوی همراه با عدالت و بخشش همراه با میانه روی.(۱)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام، نظام عادلانه را این گونه توصیف می کند:

مبادا نیکوکار و بدکار در دیده ات برابر آید که آن، رغبت نیکوکار را در نیکی کم کند و بدکردار را به بدی وادارد.(۲) رنج کسانی را که کوشش کرده اند، بر زبان آور که فراوان کار نیکوی آنان را یاد کردن، دلیری را برنمی انگیزد و ترسان بددل را به کوششی مایل نمی گرداند و نیز مقدار رنج هر یک را در نظر دار و رنج یکی را به حساب دیگری مگذار و در پاداش او به اندازه رنجی که دیده و زحمتی که کشیده است، تقصیر میار و مبادا بزرگی کسی موجب شود که رنج اندک او را بزرگ شماری و کمی رتبه مردی سبب شود کوشش وی را خوار بداری.(۳)

هنگامی که اهداف یک نظامی بر پایه عدالت باشد، ساختار آن نظام سیاسی نیز مبتنی بر عدالت است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در تمام مقاطع حکومتش، عدالت را برقرار می کرد؛ چون عدالت یکی از اهداف حکومت حضرت بود. ما در ادامه، عدالت حضرت را در اجرای حدود و قوانین بیان می کنیم.

احقاق حق و اجرای دقیق قانون، نخستین شرط لازم برای یک نظام سیاسی عادل است و حضرت توانست آن را در نظام سیاسی خود اجرا کند. در حکومت امام، همه در برابر قانون یکسان بودند و هیچ گاه تفاوت و برتری میان اشخاص، گروه ها و طبقات اجتماعی وجود نداشت. امام علی

۱- عبدالواحد آمدی، غررالحکم و درر الکلم، مترجم: محمدعلی انصاری، ج ۱، ص ۴۳۴.

۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۷، نامه ۵۳، ص ۳۰.

۳- شرح نهج البلاغه ابن میثم، ج ۵، ص ۲۵۸.

علیه السلام پیش از دیگران، نخست، خود به این اصل پای بند بود، اگر چه به زیانش تمام می شد. وقتی حضرت علی علیه السلامدر جایگاه رهبر کشور اسلامی، زره خود را نزد یک شخص مسیحی یافت، برای گرفتن آن نزد قاضی شکایت برد. شخص مسیحی از دادن زره سرپیچید. شریح قاضی به امام گفت: آیا گواهی داری؟ حضرت فرمود: نه. پس شریح به نفع شخص مسیحی حکم کرد و از دادگاه خارج شدند. پس از اندکی شخص مسیحی برگشت و گفت: زره مال حضرت علی علیه السلام است که در راه صفین از پشت شترش بر زمین افتاد و من برداشتم. سپس وی مسلمان شد و گفت این حکم و قضاوت پیامبر است که رهبر یک کشور نزد قاضی خود حاضر می شود و قاضی به نفع یک اقلیت مذهبی تحت ذمه رأی می دهد.(۱)

الگوی حکومتی ونظام قضایی مبتنی بر عدالت که امام در پی اجرای آن بود، نظامی است که ضعیف ترین افراد جامعه بدون لکنت زبان، حقشان را از زورمندان و افراد نیرومند می گیرند.

حضرت بدون توجه به طبقه اجتماعی، لباس، شخصیت و خدمات افراد، قانون را اجرا می کرد. نجاشی یکی از یاران امام و از بزرگان و شاعران زمان بود که در جنگ صفین در رکاب حضرت علی علیه السلامبود و گاهی نامه های معاویه را با شعر پاسخ می داد. وی در یکی از روزهای ماه رمضان به اصرار ابی سمال مرتکب روزه خواری و شراب خواری شد. به امام خبر رسید و حضرت دستور دستگیری او را صادر کرد و سپس هشتاد ضربه

۱- بحار الانوار، ج۹، ص۵۹۸.

شلاق حد شراب خواری و بیست ضربه حد روزه خواری بر او جاری کرد. گروهی از طایفه یمامه از جمله طارق بن عبدالله با خشم پیش امام آمدند. طارق گفت: گمان نمی کردیم نزد فرمانروایان عاقل و بافضیلت، مجازات افراد سرکش و یاغی با افراد فرمانبر خودی یکسان باشد. با کاری که تو با نجاشی کردی، دلمان را آتش زدی و ما را به راهی کشانده ای که به دوزخ می انجامد. حضرت علی علیه السلام این آیه را در پاسخ وی تلاوت فرمود:

يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا كُونُوا قَوّامينَ لِلّهِ شُهَداءَ بِالْقِسْطِ وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنئانُ قَوْمٍ عَلى أَلّا تَعْدِلُوا. (مائده: ۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید! همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید. البته نباید دشمنی گروهی، شما را بر آن دارد که عدالت نکنید.

ای برادر بنی نهد! آیا نجاشی جز فردی از مسلمانان بود که یکی از پرده های الهی را دریده بود. حد، کفاره گناه است و همانا خدا می فرماید: ملامت قومی موجب نگردد که به عدالت رفتار نکنید. به عدالت رفتار کنید که به تقوا نزدیک تر است.(۱)

د) آزادی

در حکومت امیرمؤمنان علی علیه السلام مخالفان آزادانه در مدینه رفت و آمد می کردند و کسی حق تعرض به آنان را نداشت. یکی از مصداق های آزادی عقیده در حکومت امام علی علیه السلام، آزادی در بیعت است. ایشان در خطبه ای می فرماید:

شما می دانید که من برای حکومت در پی مردم نرفتم تا آنان به سوی من آمدند و من

۱- ابن هلال ثقفی، الغارات، مترجم: عبدالمحمد آیتی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴، چ ۲، ج ۲، ص ۵۳۲.

قول بیعت ندادم تا آنکه آنان با من بیعت کردند.(۱)

یکی از ویژگی های حاکمان الهی آن است که آنان کسی یا گروهی را به رأی دادن و بیعت کردن مجبور نمی سازند و پس از رسیدن به قدرت نیز از گروه های مخالف حکومت انتقام نمی گیرند و به آنان بی مهری نمی کنند؛ چون بیعت اجباری، نشانه ستمگری ودیکتاتوری و غیرالهی بودن و ناعادلانه بودن حکومت است.

آن بزرگوار در طول حکومت خویش حتی یک نفر را به جرم عقیده بازخواست نکرد و همه مردم از دوست و دشمن، مسلمان و کافر در ابراز عقیده آزاد بودند.

آزادی بیان در حکومت امیرمؤمنان علی علیه السلام آن قدر معمول بود که دشمنان آن بزرگوار از آزادی او سوء استفاده می کردند. امام چنان وسعت نظر داشت که به مخالفان هم در بیان و عمل آزادی داده بود. البته تا آنجا که به آزادی و امنیت دیگران آسیب نزنند و در جامعه، فساد و تباهی ایجاد نکنند.

وقتی خوارج در اطراف مسجد سر و صدا می کردند و شعار لاحکم الا لله سر می دادند، حضرت فرمود: «تا آنجا که علیه حکومت اسلامی اقدامی نکنند، آزاد هستند که عقیده و دیدگاه های خود را بیان کنند».(۲)

۱- نهج البلاغه فیض الاسلام، نامه ۵۴، ص ۱۰۲۶.

۲- نک: کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۱۱، ص ۳۰۱.

۶. سیاست های اجتماعی و فرهنگی امیرالمؤمنین علی علیه السلام

الف) سیاست های اجتماعی

اشاره

یکی از مشکلاتی که پس از پیامبر دامن گیر جامعه اسلامی به ویژه در زمان عثمان، شده بود، دنیاگرایی و رفاه طلبی مسلمانان به ویژه در سطح والیان و حاکمان بود. این امر سبب گردید اختلاف طبقاتی شدیدی در جامعه ایجاد شود.

حضرت علی علیه السلام در یکی از خطبه هایش، جامعه زمان خود را همانند جامعه جاهلی معرفی کرده است و می فرماید:

آگاه باشید که بلا به شما بازگشته است. مانند بلای روزی که خداوند متعال، پیامبر شما را برانگیخت. سوگند به آن کسی که پیامبر را برانگیخت، هر آینه آزمایش می شوید؛ مانند دانه ای که در غربال ریزند...(۱)

ایشان برای از میان بردن فساد اجتماعی اقداماتی انجام داد که عبارتند از:

۱. امتیازهای طبقاتی را لغو کرد و میان سفید و سیاه، مولا و عبد، عرب و عجم، حقوقی مساوی وضع کرد. به عبارتی، حضرت علی علیه السلام با تبعیض های گوناگون نژادی، مذهبی و اداری مبارزه کرد.

۲. با نظارت اجتماعی به کنترل مفاسد و بزهکاری پرداخت. حضرت با هرگونه مفاسد اجتماعی مبارزه می کرد و جلوی هرگونه تخلفی را می گرفت و حدود اسلامی را در جامعه اجرا می کرد. حضرت مجرمانی را که در بیابان های دور دست مرتکب جنایت و قتل شده بودند و هیچ گونه آثار

۱- نهج البلاغه فیض الاسلام، ج ۱ و ۲، خطبه ۱۶، ص ۶۶.

جرمی از خود به جای نگذاشته بودند، شناسایی می کرد و به کیفر می رساند.(۱)

در زمان حکومت حضرت علی علیه السلام، مردی نزد او آمد و به دزدی اقرار کرد. امام فرمود: آیا چیزی از آیات قرآن قرائت می کنی؟ گفت: بله سوره بقره را. حضرت در اینجا او را عفو کرد و فرمود: دستت را به برکت سوره بقره بخشیدم. آن گاه امام فرمود: چنانچه برای گناهی بینه اقامه شد، امام حق عفو و گذشت ندارد و باید حدّ الهی را جاری کند و اگر شخصی، خودش به گناه اقرار کند، مثل همین مورد، اختیار با امام است. اگر خواست، مورد عفو و بخشش قرار می دهد و اگر خواست، حدّ سرقت را اجرا می کند.(۲)

حضرت علی علیه السلام نسبت به غُلات، که می گفتند خدا در وجود علی علیه السلام حلول کرده است و پس از چندی یک باره گفتند: علی خود خداست و او خالق ماست، با اعتقادی راسخ و ایمانی محکم جنگید و تا ریشه کن ساختن آن گروه منحرف از پای ننشست. نخستین غالی، عبداللّه بن سبا بود. حضرت برای آنان چاهی از آتش برافروخت و از آنان خواست که توبه کنند. آنان قبول نکردند و همگی در آتش سوختند.(۳)

۱- تجلی امامت (تحلیلی از حکومت علی علیه السلام)، ص ۲۱۷.

۲- استبصار، ج ۴، ص ۲۵۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۸۸؛ تجلی امامت تحلیلی از حکومت حضرت علی علیه السلام، ص ۲۴۱.

۳- همان، ص ۳۰۹.

۳. ایجاد وحدت و پرهیز از تفرقه ها و دورویی ها یکی دیگر از عملکردهای حضرت بود. ایشان با هرگونه اختلاف و تفرقه میان مسلمانان مخالف بود و بارها این نکته را به مسلمانان یادآوری می کرد.

امام علی علیه السلام در مورد علل تفرقه و انحطاط در جامعه می فرماید:

همانا شما برادران دینی یکدیگرید، چیزی جز درون پلید و نیت زشت، شما را از هم جدا نساخته است.(۱)

حضرت حتی نسبت به شعاردهندگان تفرقه، برخورد قاطعی داشت. همچنان که می فرماید:

آگاه باشید، هر کس که مردم را به این شعار تفرقه و جدایی دعوت کند، او را بکشید، هرچند زیر عمامه من باشد.(۲)

۴. حل مشکلات اجتماعی به ویژه در امر خانواده، یکی دیگر از عملکردهای امیرالمؤمنین علی علیه السلام در عرصه اجتماعی بود. حضرت در زمان خلافتش، خود با رسیدگی به شکایت ها مشکلات خانوادگی مردم را حل می کرد. گاهی در کوچه ها و خیابان ها راه می افتاد و تجسّس می کرد و اوضاع عمومی را از نزدیک زیر نظر می گرفت. یک روز زنی پیش او آمد و از همسرش شکایت کرد و گفت که او به من ستم می کند و قسم یاد کرده است که اگر بر من دست پیدا کند، مرا بزند. از شما می خواهم همراه من بیایید و سفارش مرا به او بکنید تا از آزار من صرف نظر کند. حضرت علی علیه السلام همراه آن زن به در خانه شان رفت. همسر زن با زورگویی و

۱- شرح نهج البلاغه ابن میثم، ج ۳، خطبه ۱۱۰، ص ۱۶۲.

۲- همان، خطبه۱۲۵، ص۲۴۲.

بی ادبی گفت: تو کیستی و چه کاره ای که در زندگی من دخالت می کنی. حالا که تو را آورده است، او را آتش می زنم. حضرت از او خواست توبه کند و او نپذیرفت. امام ناگهان صدایش را بلند کرد و بر سر او بانگ زد. همسایگان جمع شدند و به امام احترام کردند. او امام را شناخت و سریع اظهار پشیمانی و توبه کرد.(۱)

۵. گسترش اندیشه عدالت اجتماعی جهت زدودن کاستی ها، یکی دیگر از اقدام های حضرت بود. امام درباره بیت المال، سفارش های زیادی به کارگزاران خود می کرد. از جمله در نامه ای به یکی از کارگزاران خود سفارش فرمود:

اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان به تو سخت گیرم که کم بهره کردی، و در هزینه عیال، درمانده و خوار و سرگردان شوی.(۲)

در جای دیگر خطاب به یکی از کارگزاران می فرماید:

به من خبر رسیده است که کشت زمین ها را برداشته، آنچه را می توانستی گرفته ای و آنچه را در اختیار داشتی، به خیانت خورده ای. پس هر چه زودتر حساب اموال را برای من بفرست و بدان که حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم سخت تر است.(۳)

۶. قضاوت علنی میان مردم یکی دیگر از عملکردهای امیرالمؤمنین علی علیه السلام بود.

حضرت علی علیه السلام در مسجد جامع کوفه می نشست و بین مردم

۱- قضاوت ها و حکومت عدالت خواهی علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۳۸۵.

۲- نهج البلاغه دشتی، نامه ۲۰، ص ۴۹۹.

۳- همان، نامه ۴۰، ص ۵۴۶.

قضاوت می کرد و هنگامی که به او خبر دادند شریح قاضی در خانه خود که جای خلوتی است، میان مردم قضاوت می کند، به او فرمان داد:

ای شریح! مسجد را برای قضاوت انتخاب کن؛ زیرا آنجا برای برقراری عدالت میان مردم آماده تر است، برای قاضی مایه خواری است که در خانه خود بنشیند و میان مردم قضاوت کند.(۱)

روش برخورد حضرت علی علیه السلام با مردم

حضرت علی علیه السلام برای مردم اهمیت زیادی قائل بود و کارگزارانش را سفارش می کرد با مردم رفتار مناسبی داشته باشند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این زمینه به محمدبن ابی بکر می فرماید:

با مردم فروتن باش. نرم خو، مهربان، گشاده رو و خندان باش. در نگاه هایت و در نیم نگاه و خیره شدن به مردم، به تساوی رفتار کن تا بزرگان در درست کاری تو طمع نکنند و ناتوان ها از عدالت تو نا امید نگردند؛ زیرا خداوند از شما بندگان درباره اعمال کوچك و بزرگ، آشکار و پنهان خواهد پرسید. اگر کیفر دهد، شما استحقاق بیش از آن را دارید و اگر ببخشد، از بزرگواری اوست.(۲)

حضرت در زمینه رعایت برابری در برخورد با مردم به مالك اشتر می فرماید:

در آنجا که مدارا کردن بهتر است، مدارا کن و در جایی که جز با درشتی، کار انجام نگیرد، درشتی کن. پر و بالت را برابر مردم بگستران، با مردم، گشاده روی و فروتن باش و در نگاه و اشاره چشم، در سلام کردن و اشاره کردن با همگان یکسان باش تا زورمندان در ستم تو طمع نکنند و ناتوانان از عدالت تو نا امید نگردند.(۳)

ص: ۱۱۳

۱- قضاوت ها و حکومت عدالت خواهی علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۴۹۲.

۲- همان، ج۴، نامه ۲۷، ص۷۲۴.

۳- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۷، نامه ۵۳، ص ۳۰.

ب) سیاست های فرهنگی

اشاره

مهم ترین اقـدام فرهنگی امام را بایـد تلاش در راه تهذیب جامعه از دنیاگرایی و رفاه طلبی دانست. چون جامعه زمان حضـرت علی علیه السلامنزدیک به ۲۵ سال از زمان پیامبر فاصله گرفته بود، برداشت های مختلفی از دین در میان آنها رسوخ پیدا کرده و شـبهه هـای گونـاگونی در جـامعه رواج یـافته بود. ازاین رو، آن حضـرت بیشـترین همت خود را در سـخن گفتن برای مردم جهت ترویـج تقوا، نکوهش دنیـا، توشه انـدوزی برای آخرت و نشـان دادن بی وفایی دنیا اختصاص می داد. افزون بر این، می کوشید دین را به دقت تبیین کند تا سنت نبوی را که با گذشت زمان متروک شده بود، احیا کند. امام در یکی از خطبه هایش می فرماید:

من پرچم ایمان شـما را میان شـما اسـتوار ساختم. شما را بر حلال و حرام خدا آگاه کردم و با تحقق عدالت، لباس عافیت را بر شما پوشاندم. گفتار و کردار درست را در میان شما ترویج کردم و ارزش های اخلاقی را با رفتارم بر شما آشکار ساختم.(۱)

از این سـخنان درمی یـابیم که مهم ترین انحرافی که امام با آن روبه رو بود، انحراف دینی و اخلاقی بود و ایشان می بایست به عنوان مبیّن معارف و حقایق دینی، برای حفظ جامعه از انحراف های موجود، تلاش گسترده ای انجام می داد.

یک ـ احیای سنت های اسلامی و تلاش برای از میان بردن اندیشه های جاهلانه

امام می خواست در دوران حکومت خود، مردم را به عصر رسول اکرم

۱- نهج البلاغه شهیدی، خطبه ۸۷، ص ۷۰.

صلی الله علیه و آله بازگرداند و سیره و روش ایشان را در امر رهبری، زنده کند؛ زیرا پارسایی و پرهیزکاری دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله از میان مردم رخت بربسته، اخلاق عمومی، دگرگون و شیوه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فراموش شده بود. تبعیض های ناروا در میان مردم و ارکان جامعه رسوخ کرده و زمام امور به دست افراد ناصالح سپرده شده بود. اکنون که حکومت به دست امام رسیده بود، وقت آن بود که سنت پیامبر را در تقسیم بیت المال احیا کند. ازاین رو، میان عرب، عجم، سفید و سیاه فرق نمی گذاشت.(۱)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می فرماید:

آگاه باشید! در سرکشی و ستم زیاده روی کردید و در زمین در دشمنی با خداوند فساد به راه انداختید و آشکارا با بندگان خدا به نبرد پرداختید. خدا را، خدا را، از تکبر و خودپسندی و از تفاخر جاهلی برحذر باشید که جایگاه بغض و کینه و وسوسه های شیطانی است که امت های پیشین را فریب داده است، تا آنجا که در تاریکی های جهالت فرو رفتند و در پرتگاه هلاکت سقوط کردند.(۲)

دو ـ تبیین فلسفه ای روشن از زندگی برای همگان

حضرت علی علیه السلام در جاهای مختلف نهج البلاغه درباره زندگی و فلسفه آن برای مردم سخنانی دارد که در اینجا به ذکر یک نمونه بسنده می کنیم. امام می فرماید:

در این چند روزه دنیا مهلت داده شده تا در راه صحیح قدم بردارند. راه نجات، نشان داده

۱- جعفر سبحانی، فروغ ولایت، قم، انتشارات امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۶، چ ۲، ص ۳۷۴.

۲- نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۱۱۲، ص ۱۰۸.

شـده تا رضایت خـدا را بجوینـد، تاریکی های شک و تردید از آنها برداشـته شد و آنها را آزاد گذاشـته اند تا برای مسابقه در نیکوکـاری هـا، خود را آمـاده سازنـد تـا فکر و انـدیشه خود را به کـار گیرنـد و در شـناخت نور الهی در زنـدگانی دنیا تلاش کنند.(۱)

سه ـ ترسیم بینشی روشن از دنیا، سرای آخرت و مرگ برای مردم

امام علی علیه السلام درباره شناخت دنیا خطاب به مردم می فرماید:

آگـاه باشـید، همانـا این دنیـا که آرزوی آن را می کنیـد و بـدان روی می آوریـد و شـما را گـاهی به خشم می آورد و زمانی خشـنود می سازد، خانه ماندگار شـما نیست و منزلی نیست که برای آن آفریده و به آن دعوت شدید. آگاه باشید، نه دنیا برای شما جاودانه است و نه شـما در آن جاودانه خواهیـد ماند. دنیا گرچه از جهتی شـما را می فریبد، ولی از جهت دیگر شـما را از بـدی هایش می ترساند. پس برای هشدارهایش از آنچه مغرورتان می کند، چشم بپوشـید و به خاطر ترساندنش از طمع ورزی در آن بـاز ایستیـد. به خـانه ای که دعوت شدیـد، سـبقت گیریـد و دل از دنیـا برگیریـد و چونان کنیزکان برای آنچه از دنیا از دست می دهیـد، گریه نکنیـد و با صبر، استقامت و اطاعت پروردگار و حفظ و نگه داری فرمان های کتاب خـدا، نعمت های پرودگار را نسبت به خویش کامل کنید.(۲)

همچنین در مورد سرای آخرت و مرگ می فرماید:

مردم! شـما را به یادآوری مرگ سفارش می کنم. از مرگ کمتر غفلت کنید. چگونه مرگ را فراموش می کنید؛ در حالی که او شـما را فراموش نمی کند! و چگونه طمع می ورزید، در حالی که او به شـما مهلت نمی دهد! مرگ گذشـتگان برای عبرت شما کافی است. آنها را به گورشان حمل کردنـد، بی آنکه بر مرکبی سوار باشـند؛ آنان را در قبر فرود آوردند، بی آنکه خود فرود آیند. چنان از یاد رفتند، گویا از آبادکنندگان دنیا نبودند و آخرت همواره خانه شان بود... .(۳)

۱- همان، خطبه ۱۹۲، ص۲۸۹.

۲- همان، خطبه ۱۷۳، ص۲۴۸.

۳- همان، خطبه ۱۸۸، ص ۲۷۸.

چهار _ ارتقای سطح فکری و فرهنگی مردم

علی علیه السلام در خطبه های مختلف می کوشید سطح فکری و فرهنگی مردم را بالا ببرد. در اینجا به آوردن یک نمونه بسنده می کنیم. امام می فرماید:

هر کس باید از کار خویش بهره گیرد و انسان بینا کسی است که به درستی شنید و اندیشه کرد. پس به درستی نگریست و آگاه شد و از عبرت پند گرفت. سپس راه روشنی را پیمود و از افتادن در پرتگاه ها و گم شدن در کوره راه ها دوری کرد و کوشید که عدالت را پاس دارد و برای گمراهان جای اعتراض باقی نگذارد که در حق سخت گیری کند یا در سخن حق تحریف روا دارد یا از گفتن سخن راست بترسد.(1)

۱- همان، خطبه۱۵۳، ص۲۱۳.

فصل ششم:همراه با برنامه سازان

۱. جایگاه رسانه تصویری

وسایـل ارتبـاط جمعی، بـااهمیت ترین، محبوب ترین و در عین حال، انتقادبرانگیزترین فصل جامعه پیشرفته به شـمار می آیـد. نقش رسـانه تصویری، به ویژه تلویزیون، نسـبت به دیگر رسـانه هـا برجسـته تر است و در مقـایسه بـا دیگر رسـانه هـا مطلوبیت بیشتری دارد. ازاین رو، تلویزیون به عنوان گسترده ترین رسانه جمعی در رشـد ارزش های مذهبی و فرهنگی غنی اسـلامی می تواند نقش بسـزایی داشته باشد. بازشناسی ارزش ها و تفکیک آنها از ضد ارزش ها، اولین نگاه رسانه به ارزش ها خواهد بود. توجه به ارزش های فراموش شده اجتماعی و اسـلامی و احیای آنها گام بعدی در این راسـتاست. هرچند ممکن است برخی از آنهـا زمـانی، بسیار مورد توجه بوده انـد، ولی نیـاز جامعه به آنها، توجه و برنامه سازی در آن زمینه ها را ضـروری می نمایـد.ماننـد فرهنگ ایثار و گـذشت که در زمان دفاع مقـدس پرجلوه بوده و اکنون به خاطر اشـتغال به زندگانی مادی، به فراموشـی سپرده شده است.

ص: ۱۱۸

۲. پیشنهادهای برنامه ای

الف) پرداختن به جنبه های گوناگون زندگانی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

متأسفانه در برنامه های صدا و سیما تنها به ولادت یا شهادت آن حضرت، آن هم در مناسبت ها پرداخته می شود. این دو جنبه آن قدر تکرار شده است که مخاطب به محض دیدن آغاز برنامه و حضور ذهنی اش نسبت به آن مناسبت، پایان داستان را حدس می زند؛ چون از جریان داستان آگاهی دارد. ازاین رو، برای تکراری نبودن مباحث و تأمین علاقه مخاطبان، ضروری است به جنبه های دیگر زندگی و مسائل پیرامونی زمان آن حضرت توجه شود؛ مانند اهداف حکومت حضرت علی علیه السلام، شیوه های حضرت در حکومت، شیوه برخورد آن حضرت با مردم و مخالفان و چگونگی انتخاب و عزل کارگزاران و... .

ب) معرفی اشخاص معاصر حضرت علی علیه السلام

یکی از راه های شناخت فرد، شناسایی اطرافیان و اشخاصی است که با او در ارتباط بوده اند. ازاین رو، معرفی دوستان و دشمنان امام علی علیه السلام بسیار مهم است و برنامه سازی درباره زندگانی آنها، چهره واقعی آن بزرگوار را بیان می کند. برای مثال، در میان دوستان، امام به مالک اشتر خیلی علاقه داشت. در مقابل، افرادی مانند طلحه و زبیر نیز بودند که حضرت از ایشان شکوه و شکایت می کرد. بازنمایی تعریف و تمجید امام از مالک اشتر و عمار یاسر و توجه به شکوه و شکایت امام از طلحه و زبیر، در بازشناسی

آن حضرت نقش بسزایی خواهد داشت.

ج) بهره مندی از سخنان امام علی علیه السلام در فیلم ها و سریال ها، به

د) برگزاری مسابقه های عمومی به صورت پرســش و پاسخ با محوریت ســخنان حضرت علی علیه السلام یا استفاده از سخنان تخصصی حضرت در علوم گوناگون در مسابقه های تخصصی.

ه_) ساخت میان پرده و فیلم کوتاه براساس احادیث و رویدادهای مهم دوران های زندگانی امام علی علیه السلام.

و) ساخت کارتون از صحنه های برخورد آن حضرت با کودکان.

ز) مناظره علمی امامان

در برنامه های مناسبتی که درباره ائمه علیهم السلام ساخته می شود یا در روند داستان، می توان از مناظره های علمی امامان و به ویژه پاسخ گویی امام علی علیه السلام به پرسش ها در زمینه های گوناگون علمی بهره جست؛ چنان که قضاوت های حقوقی آن بزرگوار زبانزد خاص و عام است.

ح) درس هایی از نهج البلاغه

همانند برنامه «درس هایی از قرآن» که از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش می شود و تاکنون در انتقال مفاهیم قرآنی به جامعه بسیار موفق بوده است، ضروری است درباره نهج البلاغه به عنوان دومین کتاب مکتب ما نیز برنامه هایی از جمله «درس هایی از نهج البلاغه» اجرا گردد تا از این راه، بتوان مفاهیم بلند و دغدغه های امام علی علیه السلام را به جامعه تزریق کرد.

ص: ۱۲۰

ط) جشنواره تلویزیونی

برگزاری جشنواره های تلویزیونی و اهدای جوایز به برنامه سازانی که در عرصه های گوناگون فیلم، سریال، سخنرانی، کارتون، میزگرد و میان پرده ها با محوریت زندگانی ائمه علیهم السلام و به ویژه امام علی علیه السلام برنامه ساخته اند، در نهادینه کردن فرهنگ علوی نقش مهمی خواهد داشت.

۳. پرسش های مردمی

۱. مهم ترین ویژگی حکومتی امام علی علیه السلام چه بود؟

۲. اینکه می گویند امام علی علیه السلام به خاطر شدت و اهتمام به عدالت شهید شد، به چه معنی است؟

۳. حضرت علی علیه السلام چند سال حکومت کرد؟

۴. امام علی علیه السلام در زمان حکومت با چه گروه هایی جنگ کرد؟

۵. خوارج چه گروهی بودند و در کدام جنگ ظهور یافتند؟

۶. مهم ترین منشور حکومتی امام علی علیه السلام خطاب به چه کسی بود؟

۷. در زندگی اجتماعی و فردی چقدر می کوشید عدالت را رعایت کنید؟

۴. پرسش های کارشناسی

۱. چگونه می توان به شیوه حکومت حضرت علی علیه السلام نزدیک شد. راهکارهای مناسب در این زمینه کدام است؟

۲. چگونه می توان شیوه های مدیریت فرهنگی حضرت علی علیه السلام را برای مدیران فرهنگی جامعه تبیین کرد؟

۳. چگونه می توان از توانایی های صدا و سیما در ترویج شیوه های فرهنگی

ص: ۱۲۱

ــ اجتماعی امام علی علیه السلام بهره برد؟

۴. راه های نهادینه کردن اهداف حکومت امام علی علیه السلام در جامعه ما چیست؟

۵. چرا گروه های سیاسی در عصر امام علی علیه السلام در مقابل ایشان ایستادند؟ برخورد حضرت با آنها چگونه بود؟ چگونه شیوه های برخورد آن حضرت با آنها در عصر ما عملی است؟

۶ . وظایف مردم و مسئولان در نهادینه کردن عدالت علوی در جامعه چیست؟

۷. چگونه از ویژگی های عملی حکومت حضرت علی علیه السلام می توان برای اصلاح زوایای گوناگون سازمانی و اداری نظام جمهوری اسلامی بهره جست؟

ص: ۱۲۲

کتاب نامه

* قرآن کریم، ترجمه: محمد مهدی فولادوند

* نهج البلاغه، صبحی صالح.

۱. آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و دررالکلم، مترجم: محمد علی انصاری، تهران، بی نا،بی تا.

۲. شرح نهج البلاغه، قم، دارالاحیاء الکتب العربیه، چاپ دوم، ۱۳۸۵ هـ. ق / ۱۹۶۵ م.

۳. ابن اثیر، عزالدین، تاریخ کامل، مترجم: سید محمدحسین روحانی، تهران، اساطیر، ۱۳۷۲.

۴. اشرف سمنانی، غلام رضا، تحلیلی از مدیریت اسلامی در پنج سال رهبری امام علی علیه السلام، تهران، مؤسسه انتشارات بعثت، ۱۳۶۴.

۵. اصفهانی، راغب، مفردات، بیروت، بی نا، ۱۴۱۲ هـ. ق / ۱۹۹۲ م.

۶. اعثم کوفی، ابومحمد احمدبن علی، الفتوح، مترجم: محمدبن احمد مستوفی هروی، مصحح: غلام رضا طباطبایی مجد، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.

۷.امینی، عبدالحسین، الغدیر، مترجم: سیدجمال موسوی، تهران، کتاب خانه بزرگ اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۶۸.

۸. بابازاده، علی اکبر، سیمای حکومتی امام علی علیه السلام، قم، انتشارات انصاریان،

ص: ۱۲۳

.۱۳۷۸

۹. بحرانی، کمال الدین میثم بن علی بن میثم، شرح نهج البلاغه، مترجم: محمدصادق عارف، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.

۱۰. پور مصطفی، فرید، شناخت نامه علی علیه السلام، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاداسلامی، ۱۳۷۹.

۱۱. ثقفی، ابن هلال، الغارات، مترجم: عبدالمحمد آیتی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.

۱۲. جرداق، جرج، امام علی علیه السلام؛ صدای عدالت انسانی، مترجم: سیدهادی خسروشاهی، قم، نشر خرم، ۱۳۷۵.

۱۳. جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،۱۳۶۰.

۱۴. جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام (تاریخ خلفا)، قم، الهادی، ۱۳۷۷.

۱۵. حجازی، فخرالدین، جنگ از دیدگاه نهج البلاغه، تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۶۲.

۱۶. حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، مصحح: محمد رازی، بیروت _ لبنان، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۴۷.

۱۷. حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، مترجم: ابوالقاسم پاینده، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۳۸.

۱۸. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، مصحح: سید محمد شفیعی، علی محیطی، متقی زاده، قم، نشر لقمان، ۱۳۷۹.

۱۹. ذاکری، علی اکبر، سیمای کارگزاران علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۸.

۲۰. ربیعی، شمس الدین، عدالت در حکومت علی علیه السلام، تهران، انتشارات فقیه، بی تا.

۲۱. رسول زاده، سیداسماعیل، قضاوت ها و حکومت عدالت خواهی علی بن ابی طالب علیه السلام، تهران، انتشارات یاسین، چاپ پنجم، ۱۳۷۳.

۲۲. رسولی محلاتی، سیدهاشم، زندگانی امیرالمؤمنین علیه السلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۴.

۲۳. سبحانی، جعفر، فروغ ولایت، قم، انتشارات امام صادق علیه السلام، چاپ دوم، ۱۳۷۶.

۲۴. شری، محمد جواد، امیرالمؤمنین علیه السلام اسوه وحدت، مترجم: محمد رضا عطایی،مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۲.

۲۵. شهیدی، سید جعفر، ترجمه نهج البلاغه، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۸.

۲۶. صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، الخصال، قم، الجماعه المدرسین، ۱۳۶۲.

۲۷. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، مترجم: ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر،چاپ پنجم، ۱۳۷۵.

۲۸. طوسی، ابن ابی جعفر محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهاردهم، ۱۳۶۵.

۲۹. عبدالصمدی، محمود، زندگی نامه علی بن ابی طالب علیه السلام، تهران، انتشارات شوق، ۱۳۶۰.

۳۰. عمادزاده، حسین، تاریخ مفصل اسلام، تهران، انتشارات اسلام، چاپ هشتم، ۱۳۷۴.

۳۱. فاضل لنکرانی، محمد، کشورداری از دیدگاه امام علی علیه السلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۸.

۳۲. فیض الاسلام، علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران، فقیه، ۱۳۶۷.

۳۳. قائمی امیری، علی، در مکتب امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، تهران،

ص: ۱۲۵

انتشارات امیری، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۳۴. کلینی رازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، روضه الکافی، نجف اشرف، بی نا، ۱۳۸۵ه_ . ق.

۳۵. کمپانی، فضل الله، علی کیست؟، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ هیجدهم، ۱۳۷۶.

۳۶. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۳۷. محمودی، محمدباقر، نهج السعاده، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶.

۳۸. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب، مترجم: ابوالقاسم پاینده،تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.

۳۹. مظلومی، رجب علی، علی علیه السلام معیار کمال، تهران، نشر آفاق، چاپ چهارم، ۱۳۷۸.

۴۰. معلوف، لویس، المنجد، تهران، انتشارات اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۳۶۷.

۴۱. مفید، محمدبن نعمان، الارشاد، مترجم: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران انتشارات علمیه اسلامیه، ۱۳۷۶.

۴۲. ______________________ ، الجمل. و النصره لسید العتره، فی حرب البصره، قم، الحوزه العلمیه، ۱۳۷۴.

۴۳. ______________________ ، الجمل النصره لسید العتره یا نبرد جمل، مترجم: محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۶۷.

۴۴. مقری فیومی، احمدبن محمدبن علی، مصباح المنیر، قم، مؤسسه دارالهجره، چاپ اول، ۱۴۰۵.

۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۶ ه_ . ق.

۴۶. ______________________ ، پیام امام امیرالمؤمنین، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۴۷. موسوی کاشانی، سید محمد حسن، بر امیرمؤمنان علیه السلام چه گذشت؟ قم، مؤلف، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۴۸. مهاجر، سیده، علی اقیانوس عدالت، تهران، نشر طلا، بی تا.

۴۹. ناظم زاده قمی، اصغر، تجلی امامت تحلیلی از حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام، قم، الهادی، چاپ دوم، ۱۳۷۳.

۵۰. هریسی، هاشم، تکرار تاریخ، قم، دفتر نشر تعالیم اسلامی، ۱۴۰۱ هـ. ق / ۱۳۵۹.

۵۱. همدانی، رفع الدین اسحاق بن محمد، سیرت رسول الله صلی الله علیه و آله، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم، ۱۳۷۵.

۵۲. هندی، علاءالدین علی المتقی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ پنجم، ۱۴۰۵ هـ. ق / ۱۹۸۵ م.

۵۳. یعقوبی، ابن واضع، تاریخ یعقوبی، مترجم: محمدابراهیم آیتی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هفتم، ۱۳۷۴.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹